

امید سبیر

حضرت مهدی

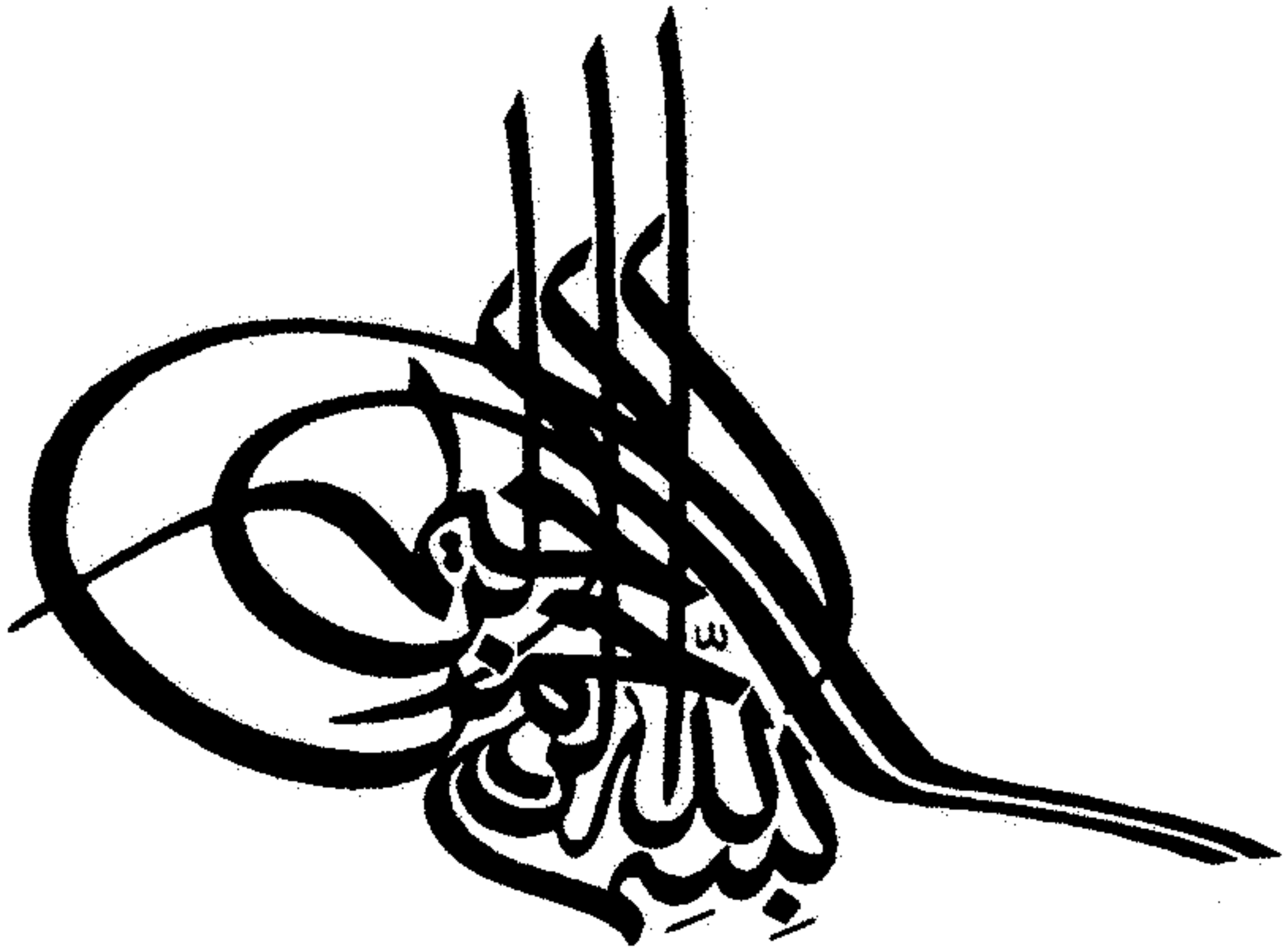
(عجل الله تعالی فرجه الشریف)

پیرامون شیعه و آقا

گلوازه هائی



بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
السلامة



نام کتاب:	امید سبز
مؤلف:	محمد علی فرزی خراسانی
ناشر:	دارالحسنین <small>بیتنا</small>
نوبت چاپ:	اول
چاپ:	نگارش
شمارگان:	۳۰۰۰
بها:	۷۰۰۰ ریال
شابك:	۶-۲۹-۷۵۴۹-۹۶۴

مرکز پخش: ایران - قم - نشر معروف:
(۱-۲۹۳۹۱۴۰) و (۲۹۲۶۱۷۵) ۰۲۵۱ ۰۹۸۰

امید سبز

محمد علی فرزی خراسانی

تقدیم و اهدا

امیدوارم نشر این کتاب مورد رضای آفریدگار جهانیان قرار گرفته و چنانچه ثواب و پاداشی از سوی او بدان تعلق گیرد، آن را به پیشگاه حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و نیز به کسانی که بر اینجانب حق دارند: اساتید بزرگوارم که برخی از آنان از مراجع بزرگوار تقلیدند بویژه رهبر معظم انقلاب شکوهمند اسلامی، حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای دام ظلّه العالی و نیز به والدین عزیز و خانواده و دوستان گرامی ام هدیه می‌کنم.

مؤلف

مقدمه

بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

با یاری خدا و با توسل به نام‌ها و نشانه‌هایش که همه‌ی حوادث به اشاره اوست:

«اگر نازی کند در هم فروریزند قالب‌ها»

بهترین و مؤثرترین عامل خوشبختی و برخورداری از موقعیت عالی فردی و اجتماعی، خودسازی و توجه به خدای متعال و اطاعت خالصانه از اوست و این خواسته به دست نمی‌آید جز از راه ارتباط معنوی و درونی با بندگان شایسته‌ی او؛ بویژه با یگانه‌ی زمان یعنی همان بنده‌ی صالحی که همه‌ی نیکان و پاکبازان به حرمت او ارزش می‌یابند و در این کره خاکی هرآنچه از محبت و عشق و کشش و جاذبه هست به یمن برکت وجود اوست؛ تجسم کمال او؛ عدالت گسترده او؛ مستضعف‌نوازی او و ستم‌ستیزی او؛ همه و همه روح پرور است و سعادت‌بخش.

بی‌شک، تصور لحظات لذت‌بخش و مسرت‌آفرینی را در عشق مجازی تجربه کرده‌اید؛ حال اگر این عشق، حقیقی، بادوام و عقلانی و روحانی باشد؛ بی‌تردید جاذبه‌ی بیشتری خواهد داشت.

«اگر لذت تـسـرک لذت بـسـدانـی

دگر لذت خویش لذت نـدـانـی»

گرچه مشتاقان وجود مبارک امام زمان علیه السلام گاه در بیابان، گاه در حرم امامان علیهم السلام، گاه در مسجد مقدس جمکران و یا در بسیاری از جاهای دیگر زمین و آسمان، در جستجوی اویند، ولی حقیقت آنست که بهترین جا برای جستجوی او، دل و جان است که تا عشق او در جان نباشد، اگرچه همیشه در کنار آن فرزانه باشیم، سودی ندارد و درحقیقت از درک او محرومیم؛ و چه نیکوست که جان خود را با آن عزیز سفرکرده آشنا کنیم که:

«بعد منزل نبود در سفر روحانی»

و چه زیباست این ترنم آهنگین و دلربا که شیعیان منتظرش به آن مترنم می شوند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الدَّابِّينَ عَنْهُ
وَ الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ وَ... الْمُتَمَثِّلِينَ لِأوامِرِهِ... وَ الْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ
يَدَيْهِ اللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ... فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي...
اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ... وَ أَكْضِلْ نَاطِرِي بِنَظَرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ...
وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ...»^۱

«خدایا مرا از یازان و یاورانش قرارده و از مدافعتی که با اشاره‌ی او می‌دوند... و به فرمانش گردن می‌نهند... تا به درجه‌ی شهادت برسند، خدایا چنانچه مرگ، پیش از ظهورش بین من و او جدایی افکند، مرا از

۱. مفاتیح الجنان، دعای عهد.

آرامگاهم برانگیز... خدایا طلعت زیبایش را به من بنمایان... و چشمانم را به سرمدی زیبای دیدارش زیور ببخش... خدایا او را پناهگاه بندگان مظلومت قرار ده...».

هدف از نوشته حاضر، بررسی آینده شیعه و روند تکامل فردی و اجتماعی آنها تا رسیدن به حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، همچنین ویژگی عصر آن حضرت و نقش شیعه در حکومت او است. از آنجا که سرنوشت شیعه بلکه بشریت به ظهور حضرتش گره خورده است، پرداختن هرچه بیشتر به این موضوع امیدی سبز و نسیمی دل‌انگیز می‌آفریند و نگرانی‌ها و یأس‌ها به جوش و خروش معنوی تبدیل می‌شود و در جانها انگیزه‌ای نیرومند به سوی نیکوکاری می‌رویاند.

در این نوشتار با ویژگی‌های شیعه و نویدهای قرآنی و بشارت‌های روایات به پیروان حق آشنا می‌شوید و اشعاری دل‌انگیز که به برکت این امید سبز از چکامه نگارنده تراویده به دور از تکلف‌ها و صنایع پیچیده ادبی مطالب آن را همراهی می‌کند...

به امید آنکه این کوشش ناچیز - که به زبان ساده و عمیق به تحریر درآمده است - برای همگان مفید باشد:

﴿قال يا بُشْرَى هذا غلام﴾

سقای قافله که به جای آب، یوسف را در دلو دید، گفت: به به از این خوشبختی. آنگاه یوسف را به عنوان مال التجارة پنهان کردند.

عمرها گشت خزان گشت همین تقدیرم

به از این هدیه نیاورد مرا تدبیرم

انتظار می‌رود دانش پژوهان و اهل دقت و نظر با عینک محبت خود،

اینجانب را با نقد و راهنمایی، یاری نموده و همگی در مسیر حرکت به

سوی اسلام ناب محمدی پیش از پیش توفیق یابیم.

شهر مقدس قم

محمد علی قرزی خراسانی

ذی حجه ۱۴۲۶

فهرست مطالب

۱۳	دین، اسلام، شیعه
۱۶	اندیشه‌ی شیعه
۱۷	زندگی خصوصی شیعه
۱۸	۱. دوری از گناه در خلوتها
۱۸	۲. قدردانی از والدین
۲۰	۳. فرزند داری
۲۱	روش شیعه و آینده‌ی آن
۲۳	شیعه و نویدهای قرآنی
۲۳	چیرگی بر تمام کره زمین
۲۶	شیعه در سایه‌ی حمایت خدا
۲۸	شیعه و آب گوارا
۳۰	شیعیان و اجرای عدالت
۳۱	شیعه در فضای نورانی
۳۳	بشارت‌های ویژه‌ی قرآنی
۳۶	عزت شیعیان

۳۸	برخورداری از کمالات.....
۳۸	پیشرفت علمی در صنعت.....
۳۹	در سایه‌ی قسط.....
۴۱	شیعه و هدایت‌های قرآنی.....
۴۳	طوبی برای شیعیان.....
۴۳	سرچشمه‌ی حیات.....
۴۶	اخلاق منتظران (سخنان حکیمانه‌ی استاد فرزانه).....
۴۹	عوامل آمادگی برای ظهور.....
۴۹	۱. احیای یاد و خاطره‌ی حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۵۰	۲. احساس خجلاً معنوی.....
۵۲	۳. ارتباط عمیق‌تر.....
۵۵	۴. انتظار.....
۵۷	۵. توجه به ارزش عبادت در زمان غیبت.....
۵۸	شیعه پس از مرگ.....
۵۸	آمرزش.....
۵۹	برخورداری از شفاعت.....
۵۹	رهایی از عذاب.....
۵۹	جایگاه والا.....
۶۰	بخشش‌های الهی.....
۶۰	فرشتگان خدمتگزار.....
۶۰	آسایش در قبر.....
۶۱	امیدواری.....
۶۱	بر منبرهایی از نور.....

۶۲	همراه با اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۶۲	همراه با حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>
۶۳	خوش گذرانی در باغ های بهشت
۶۳	جوهر بنی آدم
۶۳	ماه چهرگان
۶۴	بهترین مردم
۶۴	در گنج رحمت الهی
۶۵	شفاعت پیامبر
۶۵	جایگزینی بدی ها با خوبی ها
۶۶	آنجا که جز علی نجات بخش نیست
۶۷	درجات آخرت
۶۷	شفاعت و وساطت اهل بیت <small>علیهم السلام</small> در قیامت
۶۹	مجموعه ای از خوشبختی های ابدی
۷۰	ویژگی های حکومت حق
۷۴	پیروزی فرهنگ مبتنی بر منطق
۷۵	بشارت های آسمانی
۸۴	ارزیابی آینده استان قم
۸۹	احادیث ظهور
۸۹	حدیث اول: ثلث باقی مانده
۸۹	حدیث دوم: اوضاع عجیب
۹۰	حدیث سوم: خبر از فاجعه ای عراق
۹۱	حدیث چهارم: اوصاف یاران حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۹۲	حدیث پنجم: نشانه های یاران حضرت <small>علیه السلام</small>

- ۹۳ حدیث ششم: انس حضرت مهدی با حضرت خضر علیه السلام
- ۹۴ حدیث هفتم: روز ظهور
- ۹۵ حدیث هشتم: ویژگی های حضرت علیه السلام
- ۹۷ حدیث نهم: مردی برای رهایی انسان ها
- ۹۷ پس از ظهور
- ۱۰۳ چند داستان
- ۱۰۳ دستمال شفا بخش
- ۱۰۴ سنگریزه طلا می شود
- ۱۰۵ خمس گرفتن
- ۱۰۷ تولد فرزندان
- ۱۰۸ خبرهای غیبی
- ۱۰۹ دیدار در دامنه ی کوه خضر
- ۱۱۰ نجات مسافر از خطر
- ۱۱۲ امیدواری شیعه از نظر شاعران
- ۱۱۸ خاتمه: درد دلی با خدا با الهام از دعای عهد
- ۱۲۰ لیست منابع

دین، اسلام، شیعه

هر انسانی برای زیستن سعادت‌تمندانه با مفهومی که از خوشبختی در نظر می‌گیرد، روش خاصی را در زندگی خود انتخاب می‌کند و نمی‌تواند بی‌روش باشد؛ به تعبیر دیگر روش زندگی هرکسی برخاسته از نوع اندیشه و جهان‌بینی اوست. به همین روش دین گفته می‌شود؛ و همه انسانها از دین (به این مفهوم) برخوردارند. تنها دینی که از نظر قرآن مورد تأیید است اسلام می‌باشد:

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾^۱

«تحقیقاً دین صحیح در پیشگاه خدا اسلام است»^۲

علامه طباطبائی فرموده‌اند: «اسلام به معنی تسلیم (گردن نهادن) است و قرآن کریم دینی را که به سوی آن دعوت می‌کند، از آن جهت اسلام نامیده است که برنامه‌ی کلی آن تسلیم شدن انسان در برابر خدای جهان است، به گونه‌ای که جز خدای یگانه را پرستش

۱. سوره‌ی آل عمران: آیه‌ی ۱۹.

۲. تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۱۲۱.

و اطاعت نکند»^۱؛ بلکه همه کارها و استراحتش در چهارچوب دستور خالقش باشد، زیرا هر سازنده‌ای بهتر می‌داند که روش کار ساخته و مخلوقش به‌طور صحیح چیست؟

ایشان درباره واژه شیعه فرموده است: شیعه به معنی پیرو می‌باشد و به کسانی گفته می‌شود که جانشینی پیامبر خاتم را حق اختصاصی دوازده امام معصوم علیهم‌السلام بدانند و در معارف اسلامی پیرو اهل بیت علیهم‌السلام باشند.

مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بر اساس روایات متواتر مورد تأیید پیامبر گرامی بوده است و هر آنچه مورد تأیید ایشان باشد حق است و باید پذیرفت:

﴿مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ﴾^۲

«به آنچه پیامبر برای شما آورده است عمل کنید»

برای آگاهی بیشتر درباره‌ی مفهوم شیعه، به دو مورد از چهار مورد کاربرد آن در قرآن اشاره می‌کنیم که با هدف ما در این نوشتار تناسب دارد:

۱. ﴿وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾^۳؛

«از پیروان نوح به حقیقت ابراهیم بود که از جانب خدا با قلبی

۱. شیعه در اسلام، علامه طباطبائی.

۲. سوره‌ی حشر: آیه‌ی ۷.

۳. سوره‌ی صافات: آیه‌ی ۸۳.

سلیم برای دعوت خلق به سوی خالق برآمد.»

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان فرموده است: قلب سلیم نشانه‌ی شیعه بودن است و آن قلبی است که از آنچه انسان را به غیر خدا توجه می‌دهد پاک باشد.^۱

۲. ﴿فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَ هَذَا مِنْ عَدُوِّهِ﴾^۲

«حضرت موسی متوجه درگیری دو مرد در شهر گردید که یکی از آنها از پیروانش بود و دیگری یکی از مخالفانش (قبطیان) بود...»^۳

تفسیر شیعه

شیعه باشد بهترین‌ها در جهان

شیعه یعنی یک جهان راز نماند

یک جهان روح اطاعت، جان به‌کف

عدل‌خواهی و شرف او را هدف

شیعه یعنی گوهری اندر صدف

شیعه یعنی رسته از آب و علف

۱. تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۱۴۷.

۲. سوره‌ی قصص: آیه‌ی ۱۵.

۳. تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۱۷ و ۱۸.

شیعه معجونی ز صبر و انتظار
با امیدی سبز باشد چون بهار
شیعه یعنی، جان به کف آماده باش
عشق او در جبهه باشد نی فراش
شیعه دور از خوف و بیم و اضطراب
چشمه‌ی آب حیات‌ی پر ز آب
وارث پیغمبران بتشکون
یک دهن بستن گشودن صد دهن
شیعه یعنی شمع جاویدان شدن
با اشاره، راهی میدان شدن

اندیشه‌ی شیعه

در شرایطی زندگی می‌کنیم که جنگ سرد و گرم با شیوه‌های
گوناگون و ابزار متنوع علیه اسلام ناب محمدی و ارزش‌های
انسانی در جریان است؛ چند کشور، به سبک جاهلانه، چشم
جهانیان را خیره و آنان را شگفت‌زده کرده‌اند که چگونه می‌شود
انسان اینقدر از عاطفه دور شود؛ استکبار جهانی با تکیه بر
اندیشه‌ی جاه‌طلبی و خودخواهی و به دور از منطق، مظلومان جهان
را سرکوب می‌کند؛ از دیدگاه این نوع تفکر، پایان زندگی هیچ
و پوچ است؛ طرفداران این نوع اندیشه به زودی دچار احساس

پوچی و بی‌هدفی و بی‌ارزشی شده، در برابر مشکلات خود را می‌بازند و نگرانی‌های جانکاه همیشه جسم و جان آنها را می‌فشارد.

در برابر طرز تفکر مادی، مکاتب الهی بویژه مکتب شیعه بیانگر این حقیقت‌اند که جهان با این همه اسرار و شگفتی و نظم و تدبیر، بدون هدف نیست؛ پیروان این طرز تفکر جهان را دارای تدبیری حکیمانه و پناهگاهی نیرومند می‌دانند و می‌توانند در برخورد با مشکلات با توجه به این پناهگاه، آرام خود را تسکین بخشند و با تسلیم بر تقدیرات او، از نگرانی‌ها بفرهند:

«أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۱

«دل آرام گیرد به یاد خدای»

زندگی خصوصی شیعه

از آنجا که شیعه، سعی می‌کند بنده‌ی مخلص خدا باشد؛ و در سایه‌ی تعلیم و تربیت راهنمایان راستین، پرورش می‌یابد، تمام تلاش او این است که چه در زندگی فردی و خانوادگی و چه در اجتماع، فردی مطیع دستورات الهی، مخلص و به‌دور از گناه باشد؛ چرا که گناه از دیدگاه شیعه از هر چیزی خطرناک‌تر و زیان‌بخش‌تر

است؛ اگر انسان از گناه دوری کند زندگی سعادت‌مندان‌های خواهد داشت.

در این رابطه به چند دستور کوتاه اکتفا می‌کنیم:

۱. دوری از گناه در خلوتها

امام علی علیه السلام فرمود: «إِتَّقُوا مَعْصِيَةَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ»؛ یعنی: «از معصیت‌ها و سرپیچی‌ها در برابر خداوند در خلوتگاه‌ها پرهیزید که آنکه شاهد است خود قاضی است»^۱.

۲. قدردانی از والدین

شیعیان برای پدر و مادر خود حداکثر حرمت‌گذاری و قدردانی را به جا می‌آورند.

امام سجاده علیه السلام در دعای خود برای والدین فرمود:

«خدایا مرا چنان قرارده که از هیبت پدر و مادر مانند هیبت سلطان خودکامه بیمناک باشم و به آن دو مانند مادر مهربان نیکی کنم و اطاعت از آنان و نیکی به آنها را در نظر من، از خواب در چشم انسان خواب‌آلوده شیرین‌تر و برای سوز سینه‌ام از شربت گوارا در ذائقه‌ی انسان تشنه خنک‌تر گردان، تا خواسته‌ی ایشان را

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار.

بر خواسته خود پیشی دهم و خرسندی آن دو را بر خرسندی خود
مقدم بدارم».

و نیز می فرماید:

«... نیکی آن دو را نسبت به خود فراوان بدانم هرچند کم باشد؛
و نیکی خود را نسبت به آنها کم بدانم هرچند که زیاد باشد»^۱.
در این جمله ها نکات آموزنده ی فراوانی وجود دارد؛ از جمله
اینکه به طور کلی قدردانی از پدر و مادر وظیفه ی مهمی است، تا
آنجا که تقدیم خواسته های آنها بر خواسته های خود، به عنوان
وظیفه ی اخلاقی شمرده شده است.

اگر مقایسه ای بین دستورات رهبران شیعه با مقررات دیگر
مذاهب صورت گیرد، عظمت و حقانیت این مذهب و شایستگی
آن برای پیروی روشن می گردد.

روزی کتاب صحیفه ی سجادیّه توسط علامه، آیه الله العظمی
مرعشی نجفی به دست مفتی بزرگ اهل سنت مصر، شیخ طنطاوی
جوهری، صاحب تفسیر «الجواهر» رسید، درباره ی آن مدح و ثنایی
کامل نوشت و اقرار کرد: این از بدبختی است که تاکنون بر این اثر
گران بهای جاوید از میراث نبوت و اهل بیت علیهم السلام دست نیافته بود
و اضافه کرد: من هرچه در آن می نگرم آن را بالاتر از کلام مخلوق
و پایین تر از کلام خالق می یابم^۲.

۱. صحیفه ی سجادیّه، ترجمه ی انصاریان، ص ۱۳۷ و ۱۳۸.

۲. صحیفه ی کامله ی سجادیّه، ترجمه ی انصاریان، مقدمه، ص ۸.

ای خوش آنکس که بود شیعه‌گری آیینش
مکتب پیروی از آل علی شد دینش
ای خوش آنکس که بود بهره‌ور از معصومین
ای خوش آنکس که رها کرده خود از مغضوبین

۳. فرزند داری

در مکتب شیعه، نعمت فرزندی، به‌عنوان بهترین نعمت مطرح است که باید والدین قدر دان و دعاگوی آن باشند.

امام سجاده علیه السلام در بخشی از دعاهای خود بیش از سی حاجت از خداوند عزوجل برای فرزندان خواسته و به ما شیعیان آموزش داده است که از خدا بخواهیم و در راه تحقق آنها کوشش کنیم:

۱. عمر زیاد و با برکت ۲. رشد و تکامل فرزندان ۳. تقویت فرزندان ضعیف ۴. سلامت جسم ۵. درستی دین ۶. خوش اخلاقی ۷. در شمار نیکان بودن ۸. در شمار پرهیزگاران بودن ۹. برخورداری از بیش ۱۰. اطاعت از خدا ۱۱. اطاعت از اولیای الهی ۱۲. عشق به خدا ۱۳. خیرخواهی ۱۴. مایه قوت ما بودن ۱۵. مایه جبران کاستی‌های ما بودن ۱۶. مایه افزایش تعداد خانوار ۱۷. زینت مجالس ما بودن ۱۸. سبب زنده ماندن یاد و خاطره ما ۱۹. جانشین خوب بودن ۲۰. کمک حال ما بودن ۲۱. دوستدار ما بودن ۲۲. از ما روگردان نبودن ۲۳. فرمانبری ۲۴. بدخواه و مخالف

نبودن ۲۵. یاری خدا در تربیت و تأدیب آنها ۲۶. یاری خدا در نیکی به آنها ۲۷. اصلاح آنها ۲۸. بهره‌مندی از آنها ۲۹. فروانی روزی آنها^۱ ...

روش شیعه و آینده‌ی آن

در اوضاع کنونی جهان که آزادی‌خواهی و آزادی‌دهی بیش از حد مصلحت در جهان غرب سبب شده است ملت‌های مغرب زمین در فزون‌طلبی خود نسبت به کشورهای زیردست و خودخواهی و هواپرستی و شهوترانی خود بسوزند و در عین حال به این بدبختی افتخار کنند، هنوز بسیاری از مردم جهان متوجه نیستند که ارزش انسانی به پیروی از هواهای نفسانی و خوش‌گذرانی و رفاه‌طلبی نیست، بلکه سعادت و خوشبختی انسان مرهون استفاده‌ی عاقلانه و به‌اندازه، از عوامل لذت بخش است و گرنه انسان هیچ فرقی با حیوان نخواهد داشت؛ بلکه بدتر خواهد بود چراکه انسان از عقل هم در مسیر لذت‌های حیوانی بهره می‌برد؛ برخلاف حیوان که تنها در محدوده‌ی احساس، از تأمین لذت خود بهره می‌گیرد.

در شرایطی که سردمداران کفر و جنایت، باعث کشتار بسیاری از کودکان و زنان بی‌گناه می‌شوند، باید ملت‌ها و بویژه جوانان

۱. صحیفه‌ی سجادیّه، ترجمه‌ی انصاریان، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.

مسلمانان از خواب غفلت بیدار شوند و از هواپرستی و گناه پرهیزند تا مبادا بر اثر گناهان، سزاوار عذاب دنیا و آخرت شوند و گروهها و تشکلهای رقابت سالم داشته باشند و در صورت نیاز در جهت خدمت به خلق - از هیچگونه همکاری به رقیبان و گروههای مقابل دریغ نورزند؛ در غیر این صورت به مصداق آیه: ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَاتِ﴾ یعنی: خدا در کمین است، در وقت مناسب دچار تادیب الهی خواهیم شد. بنابراین شیعیان باید برای رسیدن به آینده‌ای مطلوب، هماهنگی را تمرین کنند.

شیعیان، با اعتماد بر عصمت رهبران آسمانی در همه‌ی ابعاد زندگی می‌کوشند با استفاده از رهنمود و سیره‌ی آنها، خود را از اختلاف‌ها و نگرانی‌ها نجات داده و به‌جای خشونت، داد و بیداد، عربده، ناسازگاری و تحقیر، به الفت، محبت، خیرخواهی و صمیمیت روی آورند و در این راستا مردانه جهاد کنند تا آینده‌ای بهشتی و دل‌انگیز بسازند؛ زیرا معتقدیم چگونگی آینده‌ی ما را رفتار خومان می‌سازد:

﴿مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ﴾^۲

«هر گرفتاری گریبان شما را بگیرد

نتیجه‌ی اندوخته‌های خودتان است»

۱. سوره‌ی فجر: آیه‌ی ۱۴.

۲. سوره‌ی شورا: آیه‌ی ۳۰.

هرکس از این روش بهزیستی پیروی کند، مانند آن است که در دریای زندگی پر تلاطم بر کشتی سوار شده و عاقبت به ساحل نجات برسد، **إِنْ شَاءَ اللَّهُ.**

عاقبت شیعه سرافراز می‌شود برا مهدی مثل سرباز می‌شود

شیعه و نویدهای قرآنی

همه ادیان و مذاهب جهان، به آمدن نجات‌بخش انسان عقیده دارند؛ ولی اگر از یهود پرسید: شما که می‌گویید مشیا خواهد آمد، هویت او و مشخصاتش چیست؟ می‌گویند: نمی‌دانیم؛ اگر از مسیحی‌ها پرسید که عیسی چه خواهد کرد؟ می‌گویند: نمی‌دانیم. بلکه آنها چون می‌گویند: حضرت عیسی که می‌آید قیامت برپا می‌شود، جایی برای امید باقی نمی‌گذارند؛ اکثر اهل سنت هم می‌گویند: مهدی عجل الله فرجه خواهد آمد ولی هنوز متولد نشده است؛ تنها مذهبی که زوایای زندگی حضرت مهدی عجل الله فرجه را در کتاب‌ها به‌طور کامل شرح داده و آینده‌ی امیدوارکننده‌ای ارائه می‌دهد مذهب شیعه است. در کتابهای تفسیر و حدیث شیعه این مطلب به‌طور آشکار و مفصل بیان شده و آیات فراوانی بر این مطلب تفسیر و تطبیق شده‌اند که به‌اختصار تنها چند مورد از آنها را یادآور می‌شویم:

چیرگی بر تمام کره زمین

شیعیان در پرتو رهنمودهای رهبران معصوم علیهم السلام و اولیای الهی

به زودی بر حل مشکلات زندگی خود فائق می‌شوند و با توجه به حسن ظن و حسن نظر و خیرخواهی و نادیده گرفتن ضعف‌ها و معایب دیگران در عین آگاهی از واقعیات از نگرانی‌های خود عبور می‌کنند و در صدد حل مشکلات اجتماعی برمی‌آیند و با عشق و شوق در ارشاد و تعلیم و تربیت و تحقیق، گام می‌نهند، تا آنجا که بسیاری از امور ناگوار را فراموش می‌کنند و با عبور از مشکلات فراوان که حل آنها نیز شیرین است به تشکیل حکومت جهانی دست می‌یابند و آنگاه که به مرحله‌ی کمال رسیدند و جهان نیز آماده شد، حضرت مهدی علیه السلام به یاری آنها خواهد آمد و با هم بر تمام کره زمین چیره خواهند شد.

قرآن به طور اعجاز‌آمیز از این حادثه خوشایند گزارش داده است:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۱؛ یعنی: به تحقیق در زبور نوشتیم بعد از آنکه در کتاب‌های آسمانی پیشین نوشته بودیم، زمین را بندگان شایسته و صالح به ارث خواهند برد.

علامه طباطبایی می‌فرماید: مراد از وراثت زمین که برای صالحان حاصل می‌شود، انتقال منافع و برکات زمین به آنهاست که خوشی‌ها و زینت‌های مادی و معنوی برای مجموعه بشر که صالح

۱. سوره‌ی انبیا: آیه‌ی ۱۰۵.

گشته است فراهم می‌شود تا دور از شرک و گناه خدا را عبادت کنند و به خوشی در زمین زندگی کنند. علامه ادامه می‌دهد که: آیه شامل مقامات قرب در آخرت و نیز همان‌طور که بیان شد، خوشی‌های زندگی دنیا را شامل می‌شود.^۱

در هر حال نمونه روشن بندگان صالحی که در کره زمین مدتی را به عبادت مخلصانه می‌پردازند، یاران آقا امام زمان به همراهی آن حضرت است و از این رو در تفسیر علی بن ابراهیم قمی آمده است: منظور از «صالحون» در آیه، آقا امام زمان و یاران او می‌باشد.^۲

این آیه گزارش می‌دهد که در آینده جمعی از بندگان شایسته خدا بر زمین حاکم خواهند شد و براساس یک تفسیر معتبر مراد از آن‌گروه، شیعیان و براساس تفسیر المیزان، مراد عام است ولی شامل صالحان در زمان ظهور حضرت مهدی نیز می‌شود.

در هر صورت این نکته واضح است که منظور از زمینی که موروث است، همه‌ی آن با تمام مواهب طبیعی است و این مطلب از الف و لام «الأرض» استفاده می‌شود. با توجه به این آیه جادارد هر انسان هوشمندی در چند روزه کوتاه زندگی با همه‌ی وجود و امکانات، وظایف خود را انجام دهد و مخلصانه از مال و جان

۱. تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۳۳۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴۷؛ تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۳۳۷.

خود برای یاری اسلام بگذرد تا مستعد نعمت‌های وسیع الهی شود که بهشت را به بها دهند نه به هر بهانه.

امام باقر علیه السلام درباره آیه: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»، فرمود: «هُمُ أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»؛ یعنی: مقصود از «صالحون» یاران مهدی در آخر الزمان است.^۱

شیعه در سایه‌ی حمایت خدا

در طول تاریخ، شیعیان بیش از هر گروه و جمعیتی مورد تهاجم مخالفان واقع شده‌اند؛ ولی تجربه نشان داده است که سنت قطعی خدا بر حمایت از آنان بوده است و اگر یاری غیبی از آنان نبود به سرعت نابود می‌شدند:

«إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ... الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛ یعنی: خداوند همواره از مؤمنان دفاع می‌کند، زیرا خیانت‌کاران کفرورز را دوست نمی‌دارد... مؤمنان کسانی هستند که اگر ما به آنها توانایی دادیم، نماز را به پا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و دیگران را به نیکی

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴۷؛ تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۳۳۷؛ تفسیر صافی،

ج ۲، ص ۱۰۷.

دعوت می‌کنند و از منکر و زشتی باز می‌دارند؛ و کنترل پایان امور از آن خداوند است»^۱.

به گمان ظاهرینان، گاهی شیعیان در مسیر انجام وظایف خطیر، دچار ذلت می‌شوند؛ گاهی در معرض قتل و غارت نابودکننده قرار می‌گیرند؛ ولی در واقع، چنانچه سست نشوند و به انجام وظیفه ادامه دهند، خداوند به خوبی از آنها حمایت خواهد کرد و إحدى الحسنین (یعنی: خوشبختی در هر حال) برایشان قطعی است.

بارها یزیدهای زمان، حسین‌ها را کشته‌اند و هزاران مشکل ایجاد کرده‌اند ولی عاقبت برای حسین‌ها و یارانش عزت و برای یزیدیان ذلت باقی مانده است:

﴿وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾^۲؛

«و ما این روزها (ی شکست و پیروزی) را میان مردم به نوبت می‌گردانیم»؛

و چنانکه می‌بینیم این سنت خدا ادامه دارد تا به ظهور حضرت مهدی علیه السلام برسد.

در روایتی از امام باقر علیه السلام در بیان آیه یاد شده آمده است: مقصود از «الذین إن مکناهم...» محمد و آل او و مهدی علیه السلام و یاران اوست که خدا از آنها چند نوع حمایت می‌کند: زمین را در اختیار

۱. سوره‌ی حج: آیه‌ی ۳۸ و ۴۱؛ تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۳۸۳ و ۳۸۶.

۲. سوره‌ی آل عمران: آیه‌ی ۱۴۰.

آنها قرار می‌دهد؛ دین حقیقی را توسط آنها آشکار می‌کند و به واسطه‌ی او و یارانش بدعت‌ها کنار می‌روند و با اینکه سفیهان حق را پوشانده باشند اثری از ظلم باقی نمی‌گذارد^۱.

ریشه‌ی اصلی قدرتی که خدا به یاران حضرت مهدی علیه السلام می‌دهد، معنوی است و آن شایستگی روحانی آنهاست و این امر منحصر به آن زمان نیست؛ بلکه هر وقت که اهلیت حاصل شد، خدای سبحان توانایی می‌دهد؛ اما اندازه‌ها و درجات فرق می‌کند و هر زمان، انسانی راه و روش صحیح و مورد تأیید خداوند را انتخاب کند، مورد حمایت او خواهد بود^۲.

بر اساس این مطلب، شیعیان که همیشه اطاعت از حق را روش خودشان قرار داده‌اند، مورد حمایت قدرت الهی خواهند بود تا آنکه در سایه‌ی ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به اهداف مقدس و زندگی ایده‌آل و بهترین خوشی در دنیا و آخرت برسند و عالی‌ترین شکل حکومت را تشکیل داده و جهانیان را به آرزویشان برسانند.

شیعه و آب گوارا

چنانکه جسم انسان سالم احساس نیاز به آب دارد، روان سالم

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۴۸.

۲. تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۳۸۶.

نیز به علم مفید احساس نیاز می‌کند؛ این نکته‌ای بسیار مفید است که علامه، استاد حسن‌زاده آن را روزی در درس علم هیأت این‌گونه بیان فرمودند: روح انسان سالم مانند جسم که احساس گرسنگی می‌کند نسبت به علم، احساس عطش دارد.

با ظهور آقا امام زمان علیه السلام شیعیان همانند انسان سالم عطش زده از آب گوارای علوم آن حضرت سیراب خواهند شد. شاهد بر این مطلب آیه ذیل است:

«قُلْ أَزَايْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ»^۱؛

یعنی: (ای پیامبر) بگو به من خبر دهید، اگر آب (آشامیدنی) شما (به زمین) فرورود، چه کسی آب روان برایتان خواهد آورد؟

ظاهر این آیه به آب گوارا اشاره دارد ولی باطن آن اشاره به امام غائب است که با آب گوارای علم خود، شیعیان را سیراب می‌کند. امام باقر علیه السلام در توضیح این آیه فرمود: «اگر امام خود را از دست دادید، چه کار می‌کنید؟»^۲

آن حضرت در روایت دیگر فرمود: «آیه می‌فرماید: اگر امام شما غائب شود و ندانید کجاست، چه کسی برایتان امام ظاهر می‌آورد تا گزارش‌های آسمان‌ها و زمین و حلال و حرام خدا را بیان کند؟»^۳

۱. سوره ی مٔلك: آیه ی ۳۰.

۲. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۷۲۷.

۳. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۷۲۷.

بنابراین باید خود را بوسیله‌ی انجام وظیفه، آماده‌ی بهره‌مندی از آن آب گوارا (امام علیه السلام) کنیم تا آن نعمت بزرگ از ما دورتر و غیبت‌اش طولانی‌تر می‌شود؛ به تعبیر دقیق‌تر، اگر ما به وظائف خود عمل نکنیم، از آن «ماء معین» (یعنی آب گوارا) دورتر می‌شویم؛ هرچند او بر ما اشراف و حضور دارد.

یار نزدیکتر از من به من است

وین عجب‌تر که من از وی دورم

امام رضا علیه السلام نیز «ماء معین» را به علم امام علیه السلام تفسیر فرموده‌اند.^۱

شیعیان و اجرای عدالت

یکی از عواملی که روان سالم انسان‌ها را شاد می‌کند، اجرای عدالت است، انسان وقتی می‌بیند ظالم به جزای کارهایش می‌رسد، شاد و با نشاط می‌شود. یکی از نمونه‌های عدالت در زمان ظهور امام زمان علیه السلام انتقام خون آقا امام حسین و جبران حق مظلومان است.

در قرآن کریم آمده است: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»^۲؛ یعنی: به آنها که جنگ بر آنان تحمیل شده اجازه (جهاد) داده شده است؛ چرا که به آنان ظلم شده و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست.»

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۰.

۲. سوره‌ی حج: آیه‌ی ۳۹.

در تفسیر این آیه فرموده‌اند: وقتی آقا ظهور می‌کند، خون‌خواهی خون امام حسین علیه السلام می‌کند!

امام باقر علیه السلام در مورد آیه‌ی: «وَلَقَدْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأَوْلَيْنِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ»^۲ فرمود: «یعنی القائم و أصحابه فأولئك ما عليهم من سبيل؛ و القائم إذا قام إنتصر من بني أمية و من المكذبين و النصاب هو و أصحابه»؛ یعنی: منظور از آیه، حضرت قائم و یاران اویند که سرزندی متوجه آنان نیست و هنگامی که ظهور کند از بنی امیه و تکذیب کنندگان و آنان که دشمنی آل محمد علیهم السلام را مرام خود قرار داده‌اند، انتقام خواهد گرفت».

شیعه در فضای نورانی

ارزش نور در برابر ظلمت آشکار می‌شود؛ اگر جهان همیشه در تاریکی محض بود انسان هیچ چیز حتی خود را نمی‌دید؛ زیبایی‌ها، گل‌ها و موجودات جذاب، هیچ‌یک دیده نمی‌شدند. همچنین تا زمانی که آگاهی بخش حقیقی جهان حضرت مهدی علیه السلام نیامده، در حقیقت، جهان از نظر آگاهی در تاریکی است؛ و همان‌طور که هنگام طلوع آفتاب همه چیز دیده می‌شود و

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴۷.

۲. سوره‌ی شوری: آیه‌ی ۴۱؛ یعنی: و هر آن‌که پس از ستم (دیدن) خود، یاری جوید (و انتقام گیرد) پس راه (نکوهشی) بر آنان نیست.

به آسانی به فعالیت‌های گوناگون می‌پردازیم و نیازهای خود را تأمین می‌کنیم، خداوند حکیم وجود آقا امام زمان را به روز روشن و روشنگر تشبیه کرده است: «وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى»^۱؛ یعنی: قسم به روز آن هنگام که جلوه‌گر شود».

امام باقر علیه السلام فرمود: «النهار هو القائم منا أهل البيت إذا قام غلب دولة الباطل»^۲؛ یعنی: منظور از نهار (روز)، حضرت قائم ما اهل بیت است که در زمان ظهور و قیامش بر دولت باطل غلبه می‌کند. شیعه در آینده در پرتو روشنگر وجود بابرکت حضرت مهدی علیه السلام زندگی خواهد کرد و از هرگونه نادانی و ناراحتی ناشی از نادانی به دور خواهد بود؛ چرا که راهی برای نگرانی در پهنه آگاهی نیست و اگر انسان بداند تقدیر خدای حکیم بهتر از همه‌ی اندیشه‌ها و تدبیرها و آرزوهای اوست، دیگر ناراحت نمی‌شود...
غلام همت آنم که زیر چرخ کبود

ز آنچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

مهدی وجه الله

روشن از نور وجه الهی کائنات

ذات پاکش بر همه آب حیات

۱. سوره‌ی لیل: آیه‌ی ۳.

۲. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۸۲۴.

گر حجابِ جهل گردد برکنار
می‌شود عالم گلستان چون بهار
می‌رسند از غیب یاران، غم مخور
می‌رود شب رو به پایان غم مخور
ظلم و ظلمتها همه جارو شود
محنت و غم جملگی پارو شود
با حضور مهدی صاحب زمان
می‌شود مظلوم دائم در امان
ساقیا شربت بده ز آب گوار
با حضورش کن ستمگر را مهار
ای خدا! از شوق آن آینده‌ها
بی‌قرارم! گشته‌ام بی‌دست و پا

بشارت‌های ویژه‌ی قرآنی

وعده‌ها و بشارت‌های خدا بدون شک انجام می‌شود، زیرا خداوند آنچه برای انجام آن لازم است دارد: علم، قدرت، ابزار...؛ و هیچ مانعی نمی‌تواند خدا را از انجام وعده‌هایش باز دارد. خدای حکیم در آیه‌ی استخلاف - «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند» -، پنج وعده‌ی ارزشمند داده است:

۱. «لَيْسَتْخُلِفَتْهُمْ فِي الْأَرْضِ...»؛ خدا آنها را جانشین خود خواهد کرد؛

۲. «وَلَيُمْكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ...»؛ و دینی را که برای آنان پسندیده است مستقر خواهد کرد؛

۳. «وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...»؛ و بیمشان را به ایمنی تبدیل خواهد کرد؛

۴. «يَعْبُدُونَنِي...»؛ تا مرا عبادت کنند؛

۵. «لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...»؛ و هرگز شریکی برایم قرار ندهند.

این آیه، وعده‌ای فراگیر دارد؛ ولی مهم‌ترین قسمتش، وعده به ظهور امام زمان علیه السلام و یاران اوست؛ چرا که امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: «القائم و أصحابه»؛ یعنی: حضرت قائم علیه السلام و یارانش»^۱.

نتیجه آنکه خداوند حکیم به مؤمنانی که عمل صالح و مخلصانه انجام می‌دهند، وعده داده است که حکومتی با امتیازهای زیر به آنان عطا کند: ۱. از سوی خدای مهربان و عادل باشد؛ ۲. دین صحیح در آن محوریت داشته باشد؛ ۳. امنیت را به‌طور کامل برقرار سازد؛ ۴. در سایه‌ی آن عبادت مخلصانه برقرار باشد.

۱. سوره‌ی نور: آیه‌ی ۵۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۸.

بنابر وعده‌های تخلف‌ناپذیر و صادقانه‌ی پروردگار، یاران حضرت مهدی علیه السلام و شیعیان مخلص و شایسته به ارزش‌های والایی که یاد شد خواهند رسید.

خوشا به حال آنان

خوشا آنان که با اعمال صالح

مهیا بهر حق گشتند و رفتند

خوشا احوال اهل علم و دانش

که دل دلداری دادند و رفتند

خوشا آنانکه در ایام غیبت

لئارات الحسین گفتند و رفتند

خوشا آنانکه اندر وقت مردن

رخ زیبای او دیدند و رفتند

خوشا آنانکه از هر لحظه‌ی عمر

کمال بهره‌ها جستند و رفتند

خوشا آنانکه دل را پاک کردند

به غیر یار خندیدند و رفتند

خوشا آنانکه غیر عشق مهدی

ز عمق جان خود کردند و رفتند

خوشا آنانکه با صد ناله و آه
گناهان را همه شستند و رفتند
خوشا آنانکه با مهدی بیایند
به یادش جان خود دادند و رفتند
خوشا آنانکه آثار نکویی
به محتاجان رسانیدند و رفتند
خوشا آنانکه دشمن را شکستند
سرش بر سنگ کوبیدند و رفتند
خوشا آنانکه دیو نفس خود را
برای امر حق کشتند و رفتند

عزت شیعیان

در سایه‌ی قیام حضرت قائم علیه السلام، شیعیان از عزت و شکوه
مخصوص بهره‌مند می‌شوند؛ عزتی که همه‌جانبه است؛ ظاهری
و باطنی است؛ فردی و اجتماعی است؛ از هر چه مایه‌ی ذلت است
دور بوده و در آسایش فوق‌العاده خواهند بود.

حضرت علی علیه السلام درباره‌ی آیه‌ی: ﴿و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ
اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۱
یعنی: ما می‌خواهیم بر کسانی که به استضعاف کشیده شده‌اند منت

۱. سوره‌ی قصص: آیه‌ی ۵.

نهیم و آنان را پیشوایان (مردم) و وارثان زمین قرار دهیم؛ فرمودند: «هم آل محمد یبعث الله مہدیہم بعد جہدہم فی عزہم و یدلّ عدوہم»^۱؛ مقصود از مستضعفان کہ وارث زمین می شوند آل محمد است کہ پس از کوشش های زیاد خداوند با ظهور حضرت مہدی علیہ السلام بہ آنها عزت می دهد و دشمنانشان را خوار می کند.

شیعیان کہ یارانی پاکباز و شایسته برای ائمہ علیہم السلام می باشند، در زمان عزت آل محمد علیہم السلام قطعاً در کنار آنها از عزتی سرشار بہرہ مند خواهند شد.

خوشا آن راکہ الگویش امام است

خوشا آن را کہ جانبازی مرام است

کجا عزت بہ از این می توان یافت

کہ مہدی منشأ عزت تمام است

جمعیتی کہ بدخواهی، خودخواهی، ستمگری و ستم پذیری در آن نباشد؛ جمعیتی کہ خوف از ستمگر و خوف از خیانت دور و نزدیک در بین آنها نباشد؛ جمعیتی کہ یکادل و یک جهت در عبادت و خدمت بہ جهانیان سرگرم باشند، آیا اہل عزت نیستند؟ برای اہل فن، این تفسیر آشکار است کہ مفهوم مستضعفان، شامل شیعیان مستضعف می شود کہ با آمدن حضرت مہدی (عجل اللہ تعالی فرجہ الشریف) از ضعف رہایی می یابند.

برخورداری از کمالات

در آینده، شیعیان مخلص و صالح، از عقل و اخلاق کامل برخوردار خواهند شد؛ امام باقر علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعُ يَدِهِ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ أَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ»^۱؛ یعنی: هنگامی که حضرت قائم قیام کند، دست مبارک او بر سر بندگان خواهد بود و بدین ترتیب خرده‌هایشان را متمرکز و اخلاقشان را کامل می‌گرداند.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ بِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْإِمَامِ بَرِيدٌ»^۲؛ یعنی: همانا وقتی قائم ما قیام می‌کند، به گوش‌ها و چشم‌های شیعیان توانایی می‌دهد تا نیازی به نامه‌رسان نباشد و به‌طور مستقیم بتوانند با او تماس بگیرند.

در این روایت به‌طور صریح، نعمت برخورداری از امکان ارتباط مستقیم با حضرت ولی عصر علیه السلام از راه دور و نزدیک برای شیعیان مطرح شده است.

پیشرفت علمی در صنعت

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتْ

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.

الأرض بنور ربها واستغنى العباد من ضوء الشمس»^۱؛ یعنی: وقتی قائم ما ظهور می‌کند، زمین بوسیله نور مخصوص الهی روشن می‌شود و بندگان از نور خورشید بی‌نیاز می‌گردند.

امام باقر علیه السلام نیز فرمود: «إِنَّ ذَالْقَرْنَيْنِ قَدْ خُيِّرَ بَيْنَ السَّحَابَيْنِ فَاخْتَارَ الذَّلُولَ وَذَخَرَ لَصَاحِبِكُمُ الصَّعْبَ»، قال قلت: و ما الصعب؟ قال: «ما كان من سحاب فيه رعد و برق فصاحبكم يركبه؛ أما إنه سيركب سحاباً و يرقى في الأسباب، أسباب السماوات و الأرضين السبع»؛ یعنی: همانا ذوالقرنین بین دو نوع ابر مخیر بود و او ابر رام را انتخاب کرد و ابر سرکش را برای صاحب شما وا گذاشت. راوی می‌گوید: پرسیدم: ابر سرکش کدام است؟ فرمودند: ابری که رعد و برق دارد و صاحب شما بر آن سوار می‌شود، همانا او بر ابر سوار می‌گردد و تا آسمان‌ها و زمین‌های هفتگانه بالا خواهد رفت.

در سایه‌ی قسط

شیعیان در سایه‌ی عدالت حقیقی (قسط) در زمان حکومت حضرت مهدی علیه السلام زندگی خواهند کرد و خداوند عالم علی‌رغم خواست مشرکان، مذهب حقیقی تشیع را بر همه‌ی ادیان و مذاهب برتری خواهد داد.

قرآن می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰.

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ^۱؛ یعنی: خداست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر تمامی ادیان برتری بخشد، هرچند که مشرکان نپسندند.

در تفسیر قمی آمده است: کسی که آیه، او را معرفی می‌کند و بر همه‌ی ادیان و مشرکان پیروز خواهد شد، حضرت قائم عجل الله است که زمین را پر از عدالت حقیقی خواهد کرد؛ همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد.^۲

از این آیه و تفسیر آن استفاده می‌شود که: قسط (یعنی رساندن مظلوم به حق خود و مجازات ستمگران) در زمان حضرت قائم برقرار می‌شود. پیش از ظهور امام زمان عجل الله اگر برخی از افراد بتوانند با اقامه‌ی شهود دروغین، باطل را حق و خلاف واقع را واقعیت جلوه دهند؛ ولی در زمان حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به دلیل رشد علمی و رهنمودهای ویژه حضرت، این‌گونه ظلم‌ها برای کسی میسر نخواهد بود.

عینک امید

غم مخور جاننا که روزی قسط برپا می‌شود

کاخ‌ها تخریب و عدل و داد برجا می‌شود

۱. سوره‌ی براءت: آیه‌ی ۳۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۰.

گر گلستان را ستمگرها ز ریشه برکنند
بذرهای صلح و سازش‌ها شکوفا می‌شود
گر بود روزی جهان یا شیعه اندر زیر ظلم
قطره‌های خون، علیه ظلم برآ می‌شود
گر بود روزی خمیده قدّ مظلومان ز غم
با ظهور راست قامت، پیر، برنا می‌شود
گر بود تبعیض و زشتی بر ملا در روزگار
عاقبت سردی و ظلمت، نور و گرما می‌شود
ای که در رنج و نداری از ستم جان می‌دهی
از امید سبز، عالم پر ز گل‌ها می‌شود
ای که خشم و نفرت و زشتی گرفت از تو رمق
عینک امید برزن! زشت زیبا می‌شود
ای عزیزان می‌شود عالم، پر از مهر و کمال
مهربان هر فرد بیگانه، چون بابا می‌شود

شیعه و هدایت‌های قرآنی

شیعیان که زبده مسلمانان و آزادی‌خواهان حقیقی جهان‌اند،
به دلیل تسلیم بودن در برابر حق و حق‌پذیری و جویای حق بودن،
شایستگی آن را پیدا خواهند کرد که در طول عمر و در طول تاریخ
در سایه‌ی هدایت قرآن کریم، خود را از پستی پیروی از هوای

نفس و رذائل نفسانی به ساحل نجات برسانند؛ از این رو باینکه قرآن «هدی للناس» است، اما همان طور که باران بر همه جا می بارد، ولی هر جایی به اندازه پذیرش خود از آن بهره مند می گردد؛ شیعه نیز همین گونه و با توجه به اینکه آمادگی بیشتری دارد، در سایه پیروی از قرآن به کمال عزت و سعادت می رسد و این جریان ادامه خواهد داشت تا در زمان آقا امام عصر علیه السلام، شیعیان به کمال نهایی برسند و از قرآن کریم، این ذخیره الهی بهره کامل ببرند.

امام صادق علیه السلام در روایتی در تفسیر این آیه که می فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»^۱، چنین فرمودند: «الْمُتَّقُونَ شِيعَةُ عَلِيِّ علیه السلام وَ الْغَيْبُ فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ وَ شَاهِدُ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَ يَقُولُونَ لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا آيَةً مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ»^۲؛ یعنی: مقصود از متقین شیعیان اند و منظور از غیب، امام غایب است؛ زیرا در آیه دیگری فرمود: مشرکان می گویند کاش بر او نشانه ای از سوی خدا فرود می آمد؛ تو ای پیامبر بگو: غیب ویژه خداست پس منتظر باشید که من نیز همراه با شما از منتظرانم».

۱. سوره بقره: آیه ۲.

۲. سوره یونس: آیه ۲۰.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۴.

طوبی برای شیعیان

در قرآن کریم و روایات، «طوبی» به عنوان بهترین مژده برای کسانی که عمل صالح انجام می دهند آمده است. در برخی از روایات «طوبی» به درختی در بهشت تفسیر شده است؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «طوبی برای کسی باشد که در زمان غیبت قائم ما متمسک به امر ما باشد و قلبش بعد از هدایت، میل به انحراف نکند». راوی سؤال کرد: طوبی چیست؟ حضرت فرمود: «درختی است در بهشت که ریشه اش در خانه علی است و هر مؤمنی شاخه ای از آن دارد و همین است منظور خدای تعالی: ﴿طوبی لهم و حسن مآب﴾^۱».

سرچشمه ی حیات

انسان دارای دو نوع زندگی است، اول: زندگی حیوانی که رشد جسمانی و امور دیگر مربوط به جسم، در سایه ی آنست و در این راستا، انسان نیاز به تغذیه و فعل و انفعال های دیگر دارد؛ دوم: زندگی ملکوتی است که در آن نیاز به انجام دادن اعمال صالح و علوم مفید دارد. همانطور که روان آدمی نسبت به جسم او لطیف است، همه ی آنچه مورد نیاز روان است نیز لطیف و دقیق است،

۱. سوره ی رعد: آیه ی ۲۹؛ یعنی: طوبی برای آنان است و سرانجامی نیکو.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳.

اینجاست که می‌فهمیم هرچه علوم مورد نیاز انسان، دقیق‌تر و متقن‌تر باشد و راهنمایان انسان، کامل‌تر باشند، انسان‌ها بهتر تربیت خواهند شد و از همین جا اهمیت نیاز به امام زمان علیه السلام بیشتر روشن می‌گردد؛ همانطور که باغبان اگر از باغ کناره‌گیری کند، نهال‌ها افسرده می‌شوند، انسان‌ها نیز با دوری از حضرت ولی عصر (روحی فداه) افسرده خواهند شد و با ظهور حضرتش حیات ملکوتی آنها جان تازه‌ای خواهد گرفت.

در آیه‌ی ۴۵ سوره حج آمده است: ﴿فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرِ مَثْنِيٍّ﴾؛ و چه بسیار روستاها را که ستمکار بودند، نابود کردیم و (اینک) سقف‌های (خانه‌های) آن (روستاها) فرو ریخته است و چه بسیار چاه‌های زها شده و قصرهای برافراشته که مردم از آنها محروم‌اند. منظور از «چاه زها شده» در برخی از روایات امام ساکت و منظور از «قصر افراشته» امام ناطق بیان شده است؛ علت تشبیه امام به چاه آنست که امام با آنکه مخفی است، منبع علمی است که سبب حیات ارواح و جانها می‌گردد!

نتیجه آنکه تا زمان ظهور حیات‌بخش حقیقی، انسانها نیمه‌جانند و رشد و جهش به سمت کمال، کند است و بسیاری از

انسانها مرده‌اند؛ زیرا انسانی که حیات انسانی داشته باشد، باید منشأ آثار خیر باشد و اگر آثار شر داشته باشد، از مرده بدتر است؛ زیرا مرده، کاری که باعث شر باشد انجام نمی‌دهد؛ ولی بشری که روی دو پا راه می‌رود و کار زشت انجام می‌دهد، هرچه عمر کند عذابش زیادتر می‌شود؛ در زمان حضرت ولی عصر علیه السلام با رسیدن آب به کام تشنگان علم، رشدی جهشی حاصل خواهد شد...

ابن عباس مفسر معروف درباره‌ی آیه‌ی: «إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...»؛ یعنی: بدانید که خداوند زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند...، چنین می‌گوید: «يُصْلِحُ الْأَرْضَ بِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام بَعْدَ مَوْتِهَا...»؛ یعنی: خداوند زمین را پس از مرگش بوسیله‌ی قائم آل محمد عليه السلام اصلاح خواهد کرد^۱.

يُمنِ ظهور

تشنگان علم را آموزگارش خواهد آمد

غم مخور! آخر طبیب دردمندان خواهد آمد

دردمندان، مستمندان و ضعیفان را بگویند

دوره‌ی ظلم و ستم آخر به پایان خواهد آمد

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۳.

چشمه‌ی آب حیات تشنگان تعطیل گشته

امر حق قطعی است، آن سقای پنهان خواهد آمد

گر کند آنی اشاره، مشکلت حل می‌شود

شاد کن دل را، نوید عید خندان خواهد آمد

جبرئیل اول کند بیعت به دستور خدا

عازمی از کعبه با چندین هزاران خواهد آمد

شاد می‌گردند از جن و ملک صدها هزار

عالم از یمن ظهورش چون گلستان خواهد آمد

اخلاق منتظران (سخنان حکیمانه‌ی استاد فرزانه)

در اینجا مناسب است چکیده‌ای از سخنان استاد حکیم و فرزانه، جامع معقول و منقول، استاد اخلاق حوزه‌های علمیه، حضرت آیه الله مظاهری را بیاورم که چند سال پیش در شب جمعه‌ای به مناسبت نیمه‌ی شعبان در ادامه‌ی سلسله درس‌های اخلاق برای جمع زیادی بیان فرمودند و با استفاده از نکته‌های آموزنده‌ی این سخنان و به کار بستن آنها می‌توانیم در آینده در شمار شیعیان و سربازان شایسته‌ی حضرت قرار بگیریم:

«شش هزار روایت درباره‌ی حضرت مهدی علیه السلام یافته‌ام و مسئله‌ی حضرت مهدی علیه السلام از نماز و حج و دیگر فرایض اسلامی مشهورتر است تا آنجا که علامه‌ی مجلسی، صد و سی

آیه‌ی قرآن را با ظهور آن حضرت منطبق دانسته و تفسیر روایی کرده است. روایات در این زمینه از حد تواتر بالاتر است و تنها، عبارتی با مضمون «یَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا» حدود سیصد و پنج روایت است. روایات درباره‌ی اصل وجود حضرت، حداقل دو هزار عدد است.

روایات بسیاری از پیامبر گرامی اسلام به صورت‌های مختلف آمده است: گاهی می‌فرمود: «نهمین فرزند از نسل حسین من ...» و گاهی امام حسین علیه السلام را در آغوش می‌گرفت و می‌فرمود: «نهمین فرزند از نسل تو کسی است که حکومت جهانی برقرار می‌کند». در روایات، وجود حضرت به خورشید تشبیه شده است که اشاره به محور بودن او دارد؛ همان‌طور که سیصد هزار منظومه‌ی کشف شده، نقطه‌ای مرکزی دارد، تمام عالم نیز در حقیقت مرکزی دارد که به برکت او و بر اثر شایستگی او بقیه‌ی موجودات خلق شده‌اند:

«لَوْ لَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا»؛

«اگر حجت بر روی زمین نباشد، زمین اهلش را فرو می‌برد».

«بِئَمْنِهِ رُزِقَ الْوَرَىٰ وَ بِوُجُودِهِ ثَبَتَ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ»؛

همه‌چیز از یمن وجود او روزی به کف می‌آورند و زمین

و آسمان، توسط وجود او ثبات دارند».

باید توجه کنید که آقا امام زمان علیه السلام مصداق روشن «بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ

وَبِكُمْ يَخْتِمُ^۱ است؛ در حقیقت می‌فهماند که همه‌ی حوادث توسط اهل بیت علیهم‌السلام است.

عزیزانم، اعمال زشت، با انتظار و سربازی آقا امام زمان سازگار نیست، اعتقاد به ولایت و سرپرستی همه‌جانبه‌ی آقا امام زمان با بداخلاقی سازگار نیست، به‌علاوه بداخلاقی باعث فشار قبر است. معاذ با آنکه فحاش نبود، بلکه اهل بهشت بود، از صحابه پیامبر بود، خود پیامبر او را کفن و دفن کرد؛ ولی چون کمی خانه را سرد می‌کرد دچار عذاب قبر شد.

اگر کسی در اداره یا مجموعه‌ای بی‌انضباطی کند، بیرونش می‌کنند، چه‌طور سرباز آقا اینهمه بی‌انضباطی کند و بیرونش نکنند؟

اگر زن، بد باشد، آخرین اقدام طلاق است و حق کتک و فحش کسی ندارد؛ اگر زیر دست را بزنی، سرخ شود، یک مثقال طلا و اگر سیاه شود سه مثقال طلا جریمه دارد؛ امام صادق علیه‌السلام به‌صرف آنکه شنید رفیقش به غلامی گفت: «يَا بَنَ الْفَاعِلَةِ»؛ (زن‌زاده)، به او فرمود: دیگر نزد من نیا.

اینهمه بدحرفی، غیبت، توجیه‌گری، خودخواهی، منفعت‌پرستی بیجا و سربازی امام زمان؟! /

۱. یعنی: یا شما خداوند آغاز نمود و با شما به پایان می‌رساند. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

روزی عایشه نزد پیامبر بود، یک فرد یهودی آمد و گفت: سام علیکم؛ یعنی: شمشیر بر تو، مرگ بر تو. عایشه ناراحت شد، گفت: یابن الخنازیر! حضرت نهی فرمود: چرا فحش می دهی؟ مگر نمی دانی که فحش مجسم می شود؟

انسان گاهی به جایی می رسد که با توجیه گری مطهری را می کشد؛ به قول جرج جرداق مسیحی، گاهی انسان به جایی می رسد که قریباً إلى الله، ولی الله را می کشد.

اگر عنایت آقا بر سر ما نباشد، اگر رضایتش را جلب نکنیم، عاقبت به خیر نمی شویم.

آقا اگر بدی کردند، عفو کن، ﴿وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا﴾؛ عفو کن؛ بلکه از صفحه ی دل پاک کن.

عوامل آمادگی برای ظهور

۱. احیای یاد و خاطره ی حضرت مهدی علیه السلام

از وظایف مهم شیعیان، به خاطر آوردن یاد شیرین آن حضرت و تقویت عشق و علاقه به او به شیوه ها و جمله ها و دعاها ی گوناگون است که سبب آمادگی بیشتر برای ظهور آن حضرت است.

در روایتی از امام صادق علیه السلام، راوی می پرسد که آیا می شود به آن حضرت این گونه سلام کنیم: «السلام عليك یا امیر المؤمنین»؟

حضرت فرمودند: نه! چون آن لقب، مخصوص حضرت علی علیه السلام است؛ شما بگویید: «السلام عليك يا بقية الله».

سلام بر جمال او

سلام بر جمال او، سلام بر کمال او

سلام بر روان او، به چشمه‌ی زلال او

معرفت کمال او، من از خدا طلب کنم

به خدمتش قیام و هم، به محضرش ادب کنم

گر بپذیرد او مرا، برآرد آرزوی من

زیمن مقدمش بود، نماز و هم وضوی من

بدون او نمی‌روم، من به بهشت جاودان

چرا که مهر او بود، مرا سرشت جاودان

جلوه‌ی قدرت خدا، چونکه ظهور می‌کند

کون و مکان به لحظه‌ای، چو کوه طور می‌کند

دیدن طلعت رخس، آرزوی همیشه‌ام

دعای عهد و ندبه‌اش، مدام گشته پیشه‌ام

۲. احساس خلأ معنوی

اوضاع کنونی جهان، احساس خلأ معنوی، احساس نیاز به نجات بخش از جنگ‌ها، از تبعیض‌ها و از فقر و بیچارگی‌ها نشان می‌دهد که ظهور منجی بشر نزدیک است؛ در جنگ اخیر عراق و استکبار جهانی، همبستگی شگرفی بین همه‌ی ملت‌ها و کشورها

پدید آمد که نشانه‌ی آمادگی جهان برای استقبال از عدالت جهانی است.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «لتعطفن علينا الدنيا بعد شماسها عطف الضروس على ولدها: ﴿و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ...﴾^۱؛ یعنی: به‌طور قطع، دنیا به نفع ما و پیروان ما تغییر جهت می‌دهد پس از آنکه روگردانده باشد؛ همانند بازگشت شتری که پس از جلوگیری از شیر خوردن بچه‌اش، به سوی او باز می‌گردد»^۲.

﴿إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ نَرَاهُ قَرِيباً﴾^۳

بداندیشان و گمراهان، ظهور حضرتش را دیر می‌پندارند؛ ولی ما آن را نزدیک می‌دانیم؛ زیرا این اتفاق امری قطعی است و دور دانستن آن نتیجه‌ای جز گمراهی ندارد؛ از همین رو قرآن که علمی‌ترین کتاب‌ها، بلکه سرمنشأ همه‌ی علوم است درباره‌ی اموری که وقوع آن قطعی باشد، از فعل گذشته استفاده کرده است: ﴿إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ﴾؛ یعنی: آن هنگام که واقعه، اتفاق افتاد.

جانا ز تو عشق می‌نگارم	بذر سخن است یادگارم
ای آمدنت امید سبزم	ای مطلع تو نوید سبزم

۱. سوره‌ی حدید: آیه‌ی ۱۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۶۴.

۳. سوره‌ی معارج: آیه‌ی ۶.

نزدیک بود قیام نابت هم سایه و بارش سحابت

۳. ارتباط عمیق تر

اگر بخواهیم سرنوشت نوید بخش شیعه را بهتر درک کنیم، باید به این حقیقت به خوبی یقین کنیم که سرنوشت شیعه با امامان معصوم علیهم السلام به ویژه امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گره خورده است؛ به همین دلیل در روایات، از تنگاتنگی روابط ائمه معصوم علیهم السلام با شیعیان بسیار یاد شده است.

در روایتی امام صادق علیه السلام فرمود: «بلا پیش از آنکه بر شیعیان نازل شود بر ما نازل می شود و هر خوشحالی نیز پیش از آنکه برای آنها فراهم شود، برای ما فراهم می شود»^۱.

برای آنکه گروهی بتوانند به اهداف والا و مقدسی برسند، لازم است میان آنها ارتباط و آشنایی عمیقی برقرار شود؛ و هرچه هدف بالاتر و مقدس تر باشد، هماهنگی باید در حد بالاتری باشد. حضرت حجت علیه السلام نیز همیشه به حال ما توجه دارد و در صورتی که پروردگار اذن دهد و مصلحت باشد، مشکلات ما را برطرف می کند.

حضرت در یکی از نامه هایش به شیخ مفید فرمودند: «ما به همه ی اوضاع شما احاطه داریم و ما همیشه از شما مواظبت و شما

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۷.

را مراعات می‌کنیم و اگر این نبود دشمنان، شما را نابود می‌کردند»^۱.
برای آرمان‌ها، یگانگی ضرورت است
دل وسیع داشتن، پیروی از نبوت است
عدالت جهان طلب، زخود رها شوای پسر
هوای نفس می‌کند، جهان پراز شور و شرر
به ذکر و یاد منتظر، به یاد اشک‌های او
روان خود صفا دهید به یاد رشک‌های او
عدالت جهان بود، نیازمند رابطه
رابطه‌ای که مبتنی، گشته به روی ضابطه
میان شیعه و امام، پیوند ناگسستنی است
حبل خداوند حکیم به پای شیعه بستنی است
حضرت در توقیعی (نوشته‌ای) که به حمیری صادر فرمودند،
پس از هشدار به گناه‌کاران و متمردان، فرمودند: هر وقت خواستید
بوسیله‌ی ما به سوی خدای تعالی توجه کنید، این‌گونه دعا کنید:
«سلام علی آل یاسین، السلام عليك یا داعی الله و ربانی آیاته،
السلام عليك یا باب الله و دیان دینه، السلام عليك یا خلیفة الله
و ناصر حقّه، السلام عليك یا حجة الله و دلیل إرادته، السلام عليك
یا تالی کتاب الله و ترجمانه ... السلام حین تقوم، السلام عليك
حین تقعد، السلام عليك حین تقرأ و تبین، السلام عليك حین

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

تصلي و تقنت، السلام عليك حين تركع و تسجد، السلام عليك حين تحمد و تستغفر، السلام عليك حين تهلل و تكبر، السلام عليك حين تصبح و تمسي... اللهم انصره و انتصر به لدينك و انتصر به اوليائك و اوليائه و شيعته و انصاره و اجعلنا منهم، اللهم اعذه من شر كل باغ و طاغ و من شر جميع خلقك و احفظه من بين يديه و من خلفه و عن يمينه و عن شماله و احرسه و امنعه من أن يوصل إليه بسوء...»^۱.

ترجمه‌ی آزاد

سلام بر، او که شده، رهبر خلق سوی حق
 از همه کس در همه جا، ربوده او گوی سبق
 سلام بر، آنکه بُود، خلیفه‌ی حق خدا
 سلام بر تو حجت و، نور محقق خدا
 سلام بر مفسر، کتاب‌های آسمان
 زبان ناطقش بود، چه عالی و چه خوش بیان
 سلام بر صلوات او، سلام بر دعای او
 سلام بر صباح او، سلام بر مسای او
 خدا! تو یاری‌اش بکن، ز شر حفاظتش بکن
 چه از یسار یا یمین، خودت حمایتش بکن

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱ تا ۱۷۳.

داستانی کوتاه

حضرت آیه الله حاج میرزا احمد سیبویه، ساکن تهران، به نقل از آقا شیخ حسین سامرائی که از اتقیای اهل منبر در عراق بودند، فرمودند: در ایامی که در سامرا مشرف بودم، روز جمعهای طرف عصر در سرداب مقدس رفتم، دیدم غیر از من کسی نیست و من حال توجه پیدا کرده متوجه مقام حضرت ولی عصر علیه السلام شدم. در آن حال صدایی از پشت سرم شنیدم که به فارسی فرمود: «به شیعیان و دوستان ما بگویید که خدا را قسم دهند به حق عمه ام زینب، فرج ما را نزدیک گرداند»^۱.

۴. انتظار

یکی از بهترین حالات روحی انسان، حالتی است که خود را مهبای دیدار دوستی مهربان کرده و با جد و جهد و هیجانی وصف ناپذیر در صدد پذیرایی از او است.

شیعیان، هر چه بیشتر می گذرد، خود را برای پذیرایی از میهمانی عزیز و بزرگوار آماده می کنند. البته شیعه به عنوان محور و مرکز این آمادگی اند؛ و گرنه تمام جهانیان در اثر ستمگری جباران و ناروایی ها، اضطرابها و تبعیضها و لشکرکشیها، مهبای حکومتی عدالت گستر می شوند.

۱. عنایات حضرت مهدی به علما و طلاب، ص ۵۹ تا ۶۰.

در روایات بسیاری حالت آمادگی برای ظهور حضرت و انتظار مورد تشویق قرار گرفته است تا آنجا که شخص منتظر را همانند و همراه با خود حضرت و همنشین او در خیمه‌اش معرفی کرده‌اند. امام صادق علیه السلام فرمود: «من مات منکم علی هذا الأمر منتظراً له کان کمن فی فسطاط القائم»؛ یعنی: هر کس از شما با اعتقاد به امامت و در حالت انتظار و آمادگی برای ظهور حضرتش بمیرد، همانند کسی است که در خیمه‌ی آن حضرت است.

و در روایتی آمده است که شخص منتظر مانند کسی است که با رسول الله بوده است.

از این روایت چنین استفاده می‌شود که مهم، داشتن روحیه‌ی اطاعت و اشتیاق به امام زمان است؛ چه در حضور او باشیم یا نباشیم.

با منی در یمنی پیش منی بی منی پیش منی در یمنی
 درباره‌ی شدت علاقه‌ی مؤمنان به آن حضرت در روایت آمده است که: «لتدمعنّ علیہ عیون المؤمنین»؛ یعنی: چشمان مؤمنان به شوق او می‌گیرند.

گفتگوی خودمانی با آقا

دوستانت آقا چون، پناه و یاور ندان
 یتیمم همه‌شون، بنابا و مادر ندان

خیلی از رفیقانمون، شیطانا گول می‌زنن
مگه یکی مثل تورو، یار و یاور ندارن؟
فقط خودت می‌تونی از شیطان ره‌اشون کنی
مظلوما آسودگی، از ظلم جائر ندارن
ضعیفا هم سرشون، رفته چرا توی لاکشون؟
مگه شما آقارو، پناه و رهبر ندارن
مگه ما مستضعفا، امیر و سرور نداریم؟
مگه امام زمان، فرزند حیدر نداریم؟

۵. توجه به ارزش عبادت در زمان غیبت

این یک قانون در ارزش‌گذاری به عبادات است که هرچه عبادتی سخت‌تر باشد، ارزش و ثواب آن بیشتر است.
امام صادق علیه السلام فرمود: «عبادت شما در زمان استتار امامتان همانند صدقه‌ی پنهانی، برتر از عبادت در زمان ظهور امام برحق است». راوی سؤال کرد که علت آن چیست؟ حضرت فرمود: «دو معیار باعث ارزش شما است: سبقت در عبادات، صبر در شرایط تلخ حکومت باطل...». تا اینکه فرمود: «هنیئاً لکم هنیئاً»؛ یعنی: گوارا باد بر شما، گوارا باد.

از این روایات، به ضمیمه‌ی روایاتی که از مشکلات گوناگون در عصر پیش از ظهور خبر می‌دهند، می‌توان فهمید که هرچه

مشکلات و سختی‌ها در جامعه بیشتر شود و اهل ایمان بیشتر صبر پیشه کنند، ارزششان بیشتر خواهد بود؛ بدین ترتیب ارزش شیعیان در آینده تا زمان ظهور دولت حق، بیشتر است؛ و همان‌طور که هرچه تنور داغ‌تر باشد، نان پخته‌تر و باارزش‌تر خواهد بود و هرچه هوا گرم‌تر باشد، خرما و انجیر و میوه‌های مشابه آنها شیرین‌تر می‌شوند؛ درگیری حق و باطل نیز هرچه بیشتر باشد، نیکان پاداش بیشتری می‌گیرند.

پیامبر فرمود: بهترین اعمال امت من، انتظار فرج و ظهور است؛ چرا که انتظار فرج، حالتی است آمیخته از صبر و امید و اطاعت و آمادگی و شور و شوق به ارزش‌های معنوی.

از شوق وصلش می‌طپد	قلب کبابم ای خدا
من تشنه‌ی دیدار او	ده جرعه آبم ای خدا

شیعه پس از مرگ

آمرزش

رسول خدا ﷺ فرمود: «یا علی إن شیعتک مغفور لهم»؛ یعنی: ای علی اگر کسی شیعه‌ی تو باشد، همه‌ی عیب‌ها و گناهانش آمرزیده می‌شود. بنابر این روایت، اگر کسی در اثر بسیاری گناه از دایره‌ی شیعه بودن خارج نشود، مورد عنایت امیر مؤمنان قرار می‌گیرد و آمرزیده خواهد شد.^۱

۱. روایات یاد شده در این بخش تا ص ۱۱۷ گلچینی از ج ۶۸ بحار الأنوار است.

برخورداری از شفاعت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام فرمود: «... شیعتك شیعة الله وأنصارك أنصار الله و حزبك حزب الله»؛ یعنی: فردای قیامت من خودم شیعه‌ی تو را شفاعت می‌کنم، زیرا شیعه‌ی تو شیعه‌ی خدا و یاران تو، یاران خدا و گروه تو گروه خدایند.

رهایی از عذاب

امام رضا علیه السلام فرمود: خداوند در حدیث قدسی فرموده، قسم به عزت و جلالم هر بنده‌ای که علی علیه السلام را سرپرست خود قرار دهد، از عذاب دورش می‌کنم.

جایگاه والا

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خدای تبارک و تعالی مردمی در قیامت برمی‌انگیزد که دارای رویی درخشان مانند انبیا و شهدایند. آنگاه دست مبارک خود را بر سر علی علیه السلام گذارد و فرمود: آنها علی و شیعیان اویند.

و نیز فرمود: هنگامی که قیامت برقرار می‌شود، علی و شیعیانش بر روی جایگاه بلندی که از مشک خوشبو ساخته شده، قرار می‌گیرند.

بخشش های الهی

سلمان فارسی (رضی الله عنه) فرمود: روزی نزد پیامبر خدا ﷺ نشسته بودم، علی علیه السلام وارد شد. حضرت به او فرمود: یا علی، آیا بشارتی به تو بدهم؟ علی علیه السلام فرمود: بفرما یا رسول الله صلی الله علیه و آله. حضرت فرمود: حبیبم جبرئیل از سوی خداوند خبر داد که به دوستان و شیعه‌ی تو هفت بخشش عطا می‌کند: ۱. مندارا هنگام مرگ؛ ۲. انس در هنگام وحشت؛ ۳. نور در تاریکی قبر؛ ۴. آسودگی هنگامی که همه در ترس‌اند؛ ۵. عبور از صراط؛ ۶. وارد شدن در بهشت.

فرشتگان خدمتگزار

امام رضا علیه السلام فرمود: فرشتگان، خدمتگزار ما و دوستان ما هستند.

آسایش در قبر

امام صادق علیه السلام فرمود: دو آیه است که یکی برای دوستان ما و دیگری برای دشمنان ماست: ۱. ﴿فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقْرَبِينَ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّةٌ نَعِيمٌ﴾؛ یعنی: چنانچه از مقربین باشد، در آسایش و راحت و بهشت پر نعمت خواهد بود؛ ۲. ﴿وَ أَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ

الْمُكَذِّبِينَ فَنُزِّلَ مِنْ حَمِيمٍ وَ تَصْلِيَةً جَحِيمٍ^۱؛ یعنی: و چنانچه از دروغگویان گمراه باشد، با آبی جوشان از او پذیرایی خواهد شد و در جهنم درخواهد افتاد.

امیدواری

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند عز و جل از هیچ کس نمی پذیرد که بگوید نمی دانستم فرزندان فاطمه و الیان مردمند؛ این آیه در خصوص آنان نازل شده است: ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾^۲؛ یعنی: بگو ای بندگان من - که بر خویشان زیاده روی روا داشته اید - از رحمت خدا نومید مشوید؛ در حقیقت خدا، همه ی گناهان را می آمرزد؛ همانا او آمرزنده و مهربان است.

بر منبرهایی از نور

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: در روز قیامت دوستداران ما با چهره هایی درخشان، عیب هاشان پوشیده، در امنیت از ترس، دور از سختی ها، در جایگاهی راحت، بدون ترس و اندوه، بر منبرهایی از نور محشور می شوند.

۱. سوره ی بقره: آیه های ۹۲ تا ۹۴.

۲. سوره ی زمر: آیه ی ۵۳.

همراه با اهل بیت علیهم السلام

سدید صیرفی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: چگونه شیعیان بر محبت شما ثابت قدم می‌مانند؟ حضرت فرمود: مگر اطمینان نداری؟ گفتم: چرا، ولی قلبم آرام نیست.

حضرت دستور داد، تخم مرغی آوردند، آن را بر آتش نهاد، سپس پوست آن را کند و به آتش انداخت و فرمود: پدرم از جدم خبر داد که فرمود: دشمنان ما این‌گونه در آتش افکنده می‌شوند. آنگاه زرده‌ی تخم مرغ را با سفیدی مخلوط کرد و فرمود: پدرم از پدرانش از رسول خدا نقل کرده‌اند که: در روز قیامت، شیعیان با ما همانند این تخم مرغ مخلوط خواهند شد. آنگاه انگشتان خود را به هم قفل کرد و فرمود: «إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ»؛ یعنی: برادرانه بر تخت‌هایی روبه‌روی یکدیگر نشسته‌اند.

همراه با حضرت زهرا علیها السلام

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در روز قیامت منادی صدا می‌زند: ای گروه خلائق، چشمان خود را ببندید تا دختر حبیب خدا به قصر خود رود. حضرت زهرا علیها السلام می‌آیند در حالی که هفتاد هزار حوریه او را همراهی می‌کنند؛ وقتی به درب قصر می‌رسد، امام حسن و امام حسین علیهم السلام را می‌بیند: امام حسین علیه السلام با سر بریده‌اش ... از

عرش ندا می آید که: ای دخت حبیب خدا، در قبال این مصیبت آرامش ابدی برایت ذخیره کرده‌ام و مشغول محاسبه‌ی بندگان نمی‌شوم تا شما و نسل و شیعه‌ات و هرکس که به شما خوبی کرده است - هرچند که شیعه نباشد - وارد بهشت شوید: ﴿وَهُمْ فِيهَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ﴾؛ یعنی: و آنها در میان آنچه دلشان میل دارد جاودانند.

خوش گذرانی در باغ‌های بهشت

امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا قسم، روزه‌دار شما در باغ‌های بهشت، خوش می‌گذراند و فرشتگان برایش دعا می‌کنند که او پیروز و موفق شود تا آنکه افطار کند؛ و به تحقیق حج گذارنده و عمره گذار شما از بندگان خاص خداست... همه‌ی شما در بهشتید، پس در اعمال صالح رقابت تنگاتنگی داشته باشید.

جوهر بنی آدم

امام صادق علیه السلام فرمود: هرچیزی جوهره‌ای دارد و جوهره‌ی بنی آدم، محمد و ما و شیعیان مايند.

ماه چهرگان

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: روز قیامت با تجلیل خاصی، عده‌ای را بر

منبرهایی از نور می آورند که چهره‌شان مانند ماه در شب چهارده می درخشد؛ اولین و آخرین با دیدن چهره‌ی آنها به حال آنها غبطه خواهند خورد. تا آنکه فرمود: اشاره به علی علیه السلام و شیعیان اوست.

بهترین مردم

امام صادق علیه السلام فرمود: علی علیه السلام روزی به خدمت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله رسید. آن حضرت فرمود: ای علی، چگونه خواهی بود در آن هنگام که همه‌ی امت‌ها جمع شوند و موازین عدالت در قیامت برپا شود؟ علی علیه السلام گریان شد. حضرت فرمود: چرا گریه می‌کنی؟ درحالی که تو و شیعیانت روسفید و دشمنانتان گرفتار خواهند بود؟

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمُ

خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾^۱

آنانکه ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند، همانانند بهترین آفریدگان.

در گنج رحمت الهی

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: ای قنبر، خوش باش و مژده ده، به خدا قسم، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هنگامی که فوت کرد، بر همه‌ی امتش جز

۱. سوره‌ی بینه: آیه‌ی ۷.

شیعه غضبناك بود؛ زیرا شیعه عزت اسلام است. به خدا قسم هر شیعه که می خوابد، خداوند روحش را به آسمان می برد و آن را در گنج های رحمت خود قرار می دهد و به تحقیق فقیران شما، ثروتمند و ثروتمندان شما اهل قناعتند.

شفاعت پیامبر

امام باقر علیه السلام فرمود: در روز قیامت برخی از شیعیان وارد بر حوض کوثر می شوند، ولی برخی دیگر برگردانده می شوند. پیامبر وقتی آنها را می بیند، گریه می کند و می فرماید: «ربُّ شیعة علی، ربُّ شیعة علی»؛ یعنی: پروردگارا شیعه ی علی، پروردگارا شیعه ی علی. تا آنکه خداوند می گوید: ای محمد آنها را به تو بخشیدم. آنگاه چه بسیار گریه کننده ها که در دنیا ما را دوست داشتند، بر حوض ما وارد می شوند.

جایگزینی بدی ها با خوبی ها

امام باقر علیه السلام درباره ی آیه ی: «فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً»^۱؛ یعنی: پس خداوند بدی آنها را با خوبی ها جایگزین می سازد و خداوند بخشنده و مهربان است، فرمود: خداوند گناهان مؤمن را به او می نمایاند تا آنکه به آنها اقرار

۱. سوره ی فرقان: آیه ی ۷۰.

کند، سپس به نویسندگان امر می‌کند تا بدی‌های او را با نیکی‌ها جایگزین کنند و آن نیکی‌ها را به مردم عرضه کنند؛ آنگاه مردم می‌گویند: این بنده یک گناه هم نکرده است.

آنجا که جز علی نجات بخش نیست

پیامبر ﷺ فرمود: در روز قیامت از شیعیان علی علیه السلام برنخی می‌آیند که در کفهی بدی‌هایشان گناهی بزرگتر از کوه‌های بلند و دریاها وجود دارد. خلایق گویند: این بنده هلاک شده و در عذاب الهی جاودان خواهد بود. منادی صدا می‌زند: ای بنده، آیا کار نیکی داری که به سبب آن وارد بهشت شوی؟ بنده گنهکار می‌گوید: نمی‌دانم. منادی گوید: در عرصات قیامت فریاد بزن که: من فلانی هستم؛ ای اهل محشر، گناهان بزرگم مرا گرفتار کرده، آیا کسی هست که کار نیکی از من نزدش باشد و مرا نجات دهد؟

در این حال، اولین کسی که جواب می‌دهد، علی بن ابیطالب است که چنین گوید: «لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ، أَيُّهَا الْمَمْتَحَنُ فِي مَحَبَّتِي الْمَظْلُومُ بَعْدَؤِي»؛ یعنی: آری، آری، ای کسی که در دوستی من امتحان خود را پس داده‌ای، ای کسی که از سوی دشمنم مظلوم واقع شدی.

آنگاه خداوند می‌فرماید: ای علی، در برابر مظلومه‌ها و حقوق‌بندگان بر او، ضامنش باش و به آنها بگو که هرچه بخواهند پیشنهاد

کنند. آن بندگان می‌گویند: برای ما در برابر حَقَّمان تنها ثواب یک نفس از انفاس لیلۃ المبیت (شبی که علی جای پیامبر خوابید) کافی است. علی علیه السلام نیز می‌فرماید: بخشیدم. در این حال قصرها و نیکی‌ها برایشان آشکار شود و راضی شوند و آن بنده‌ی گنهکار را درجه‌ها و منازلی دهند که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده.

درجات آخرت

امام صادق علیه السلام به ابابصیر فرمود: «أبو حمزه‌ی شمالی چگونه است؟» عرض کرد: وقتی از او جدا شدم، مریض بود. فرمود: «هرگاه نزدش برگشتی، سلام مرا به او برسان و بگو فلان وقت خواهی مرد». ابوبصیر گفت: ابو حمزه نسبت به شما انس و محبت دارد و شیعه‌ی شماست. حضرت فرمود: «درست گفتی؛ آنچه ما برای شما در نظر داریم، خیر است». ابوبصیر پرسید: آیا شیعیان شما با شما خواهند بود؟ فرمود: «اگر از خدا بترسند و دستورات پیامبرش را مراعات کنند و خود را از گناهان حفظ کنند، در قیامت با ما خواهند بود».

شفاعت و وساطت اهل بیت علیهم السلام در قیامت

سماعه گوید: خدمت آقا امام صادق علیه السلام رسیدم، فرمود: ای سماعه، بدترین مردم کیست؟ ... عرض کردم: از نظر مخالفان، ما

بدترین مردم هستیم؛ زیرا می‌گویند: شما کافر و رافضی هستید. حضرت نگاهی به من کرد و فرمود: چه حالی دارید وقتی شما را به بهشت و آنها را به سمت آتش می‌برند؟ ای سماعه، هر یک از شما گناهی کند، به سوی خدا می‌رویم و شفاعت می‌کنیم تا آنجا که پنج نفر بلکه سه نفر بلکه حتی یک نفر از شما وارد آتش نمی‌شود؛ پس در درجات بهشت مسابقه دهید و به کمک ورع و تقوی دشمنان خود را دچار عقده‌های سخت روانی و شکننده کنید.^۱

معنی شفاعت: شفاعت به معنی کنار و ردیف هم‌دیگر قرار گرفتن دو یا چند نفر به منظور کمک‌رسانی برخی به برخی دیگر است؛ و در اصطلاح، شیعه یعنی کمک‌رسانی معصومان عليهم السلام نسبت به شیعیان و کسانی که شرایط شفاعت را داشته باشند.

شفاعت و امتیازات دیگری که برای شیعیان یاد شده، در صورتی به آنها اختصاص می‌یابد که از نظر اعمال در حدی باشند که شایستگی شفاعت و امتیازات دیگر را داشته باشند؛ در این صورت به مصداق آیه‌ی ذیل خداوند اجازه‌ی شفاعت آنها را خواهد داد:

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾^۲؛

یعنی: کیست که بدون اجازه‌ی خدا نزد او شفاعت کند؟ در عرف مردم نیز ارفاق معلم در صورتی به جا و درست است

۱. بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۱۷.

۲. سوره‌ی بقره: آیه‌ی ۲۵۵.

که دانش آموز حداقل نمره‌ی قابل ارفاق را داشته باشد؛ هم‌چنین در میانجی‌گری در دعواها در صورتی که خطای جزئی رخ داده باشد، قابل گذشت و میانجیگری است؛ اما در مواردی که به‌طور مثال جنایت بزرگی صورت می‌گیرد، هیچ صاحب کرمی نمی‌تواند شفاعت او را بکند. البته توجه به این نکته نیز مهم است که اگرچه ما به رحمت الهی و شفاعت اولیای الهی امیدواریم؛ اما با شرمندگی از خطاها و محرومیت از مقامات معنوی چه کنیم؟

مجموعه‌ای از خوشبختی‌های ابدی

در روایات مژده‌ها و بشارت‌های ارزشمندی به شیعیان داده شده است که مطالعه آنها انسان را به وجد و شوق و شغف می‌آورد: حضرت علی علیه السلام فرمود: «یخرج أهل ولايتنا يوم القيامة من قبورهم مشرقة وجوههم، مستورة عوراتهم أمنة روعاتهم، قد خرجت عنهم الشدائد و سهلت لهم الموارد، يخاف الناس ولا يخافون و يحزن الناس ولا يحزنون و قد أعطوا الأمن والأمان»؛ یعنی: آنها که نسبت به ما ولایت دارند، روز قیامت درحالی از گورهایشان بیرون می‌آیند که چهره‌هایشان تابان، شرم‌گاههای آنها پوشیده، از دلهره در امان، سختی‌ها از آنها برطرف شده و مراحل قیامت بر آنها آسان گشته، مردم در ترسند درحالی که آنها ترسی ندارند، مردم در اندوهند درحالی که آنها غصه‌ای ندارند و به آنها امان و امنیت داده شده است.

ترجمه‌ی آزاد:

از علی گشته روایت این کلام

بر روانش صد درود و صد سلام

مژده بهر پیروان و شیعیان

می‌شوند از خوف‌ها اندر امان

وقت بیرون آمدن از قبرها

می‌درخشد نورشان از چهره‌ها

می‌شود پوشیده زشتی‌هایشان

می‌نماید سهل شدت‌هایشان

حزن می‌گردد به‌دور از روحشان

میوه می‌چینند از سبوحشان

ویژگی‌های حکومت حق

آنها که جان و دل خود را از آلودگی‌ها پاک می‌کنند، شوق دیدن حکومت سراسر عدل حضرت مهدی علیه السلام در جانشان شعله‌ور می‌شود و این شوق معنوی، آنها را به سمت توجه به آن آقا و اعمال زیبا و پاکش جذب می‌کند؛ دیگر نیازی نیست که به این امر وادار شوند؛ بلکه بیسجی وار به اعمال نیک که سبب شادی ایشان و مهیا شدن زمینه برای ظهور ایشان است می‌شتابند؛ زیباییهای آن حکومت توجه آنان را جلب کرده است و زیبایی‌ها دلربایند.

امام صادق علیه السلام ویژگی‌های حکومت امام زمان علیه السلام را چنین بیان می‌فرمایند: «أما تُحِبُّونَ أَنْ يُظْهِرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْحَقَّ فِي الْبِلَادِ وَيُحْسِنَ حَالَ عَامَّةِ النَّاسِ وَيَجْمَعَ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَيُؤَلِّفَ بَيْنَ الْقُلُوبِ الْمُخْتَلِفَةِ وَلَا يَعْصِيَ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ؟...»؛ یعنی: آیا دوست ندارید که خداوند عزوجل حق و عدل را در زمین آشکار کند و حال همگان نیکو گردد و وحدت برقرار نماید و دلها را به هم مهربان سازد و کسی در روی زمین خدا را معصیت نکند و حدود خدا اجرا شود و هرکس به حق خود برسد و حق کسی از ترس دیگری پنهان نماند؟

در این روایت شش ویژگی مهم بیان شده است که برای جامعه‌ی اسلامی ما توجه به آنها لازم است و تمام کسانی که می‌خواهند مہیای ظهور حضرتش باشند، وظیفه است که خود و جامعه خود را در امور یاد شده تقویت نمایند؛ مبادا پس از پیمودن راهی طولانی و تحمل مشکلات بسیار، متوجه دوری بیشتر از خدا شوند که در اینصورت انگشت حسرت به دهان خواهند گرفت که:

یار در خانه و من گرد جهان می‌گردم

آب در کوزه و من تشنه لبان می‌گردم

گنج در جان بود و گنج نمان می‌گردم

معرفت را ترک و در اطراف گمان می‌گردم

در اینجا به مناسبت روایت یاد شده، با شما به درد دلی کوتاه می‌پردازم:

این روزها حوادثی تلخ و شیرین رخ می‌دهد؛ تلخ از آن جهت که جهان یک بار دیگر گرفتار وحشیگری و درنده‌خویی مدرن شده است؛ نظامیان امریکا و انگلیس با سرکردگی بوش، رئیس‌جمهور امریکا، با حمله به کشور عراق در حدود هفتصد میلیون دلار خسارت مالی به آن وارد کرده و براساس برخی گزارشات در حدود دوازده هزار نفر کشته و هزاران زخمی و نابسامانی‌های بسیار دیگری برجای گذاشته است؛ به‌طوری‌که در بیمارستان‌ها جایی برای زخمی‌ها یافت نمی‌شد؛ می‌توان گفت که در این حادثه با استفاده از بمب‌های ده تنی و ... شگفت‌انگیزترین فاجعه را به‌بار آوردند.

اما شیرین از آن جهت که از همه جای جهان، ندای مخالفت با جنگ بلند شد و مردم اروپا، امریکا، آفریقا، آسیا، همه و همه، از این جنگ خطرناک اظهار تنفر کردند، ولی نظامیان امریکایی بی‌اعتنا به آنها به تجاوز خود ادامه دادند تا آنکه تمام ملت‌های دنیا همصدا شدند و نمونه کوچکی از همصدایی جهانی ایجاد گردید و سخن برخاسته از دل مردم متمرکز شد که: «... وَ يُؤَلَّفُ بَيْنَ الْقُلُوبِ الْمُخْتَلِفَةِ وَ يَجْمَعُ اللَّهُ الْكَلِمَةَ».

دشمنان بدانند، براساس نظر کارشناسان، این هم‌دلی جهانی

علیه ستمگران به طور آشکار یا پنهان به پیش خواهد رفت تا آنکه با ظهور حضرت مهدی علیه السلام تمام ستمگران نابود شوند؛ چراکه:
خون مظلوم از بن صخره جوانه می زند

بسر تن بیدادگرها تازیانه می زند

آری، خون مظلومان، بچه های بی گناه و مادران بیچاره می جوشد تا جوانان غیور آماده شوند و ستمگران را نابود کنند. مناسب است بدانید که این جنگ در حقیقت مانند عروسک بازی کودکان، یک صورت سازی بیش نبود؛ از همین رو، جنگ در حالی پایان یافت که صد و بیست هزار نیروی نظامی صدام در بغداد مستقر بودند و عکس العملی نشان ندادند و جریان درگیری صدامیان با نظامیان امریکایی در فرودگاه بغداد نیز فریبکاری و سرگرم کردن مردم بود که در سایه ی آن، تعدادی از رده های بالای نظام صدام را فراری دادند و روشن نشد که آنها را به کجا بردند: «فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ»^۱؛ «فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ»^۲؛ «فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ»^۳؛ یعنی: بنگر که عاقبت فاسدان و ستمگران و مجرمان چیست؟ آری، اینست سرانجام ستمگران و کسانی که تن به ذلت داده اند و از امام زمانشان غافل نشدند...

۱. سوره ی اعراف: آیه ی ۱۰۳.

۲. سوره ی قصص: آیه ی ۴۰.

۳. سوره ی اعراف: آیه ی ۸۴.

پیروزی فرهنگ مبتنی بر منطق

پیش از ظهور اسلام، اختلاف‌ها و درگیری‌های ناشی از خودخواهی‌ها و منفعت‌پرستی‌ها که ریشه در جهل و نادانی داشت، اوج گرفته بود؛ مردم گرفتار امور خرافه‌ای شده بودند و مهم‌ترین معیار ارزش برای آنان، مال و قبیله بود و زنان و دختران مایه‌ی ننگ تلقی می‌شدند، اسلام با تغییر اندیشه‌ها و معیارهای ارزش‌گذاری، بر محور تقوی و با ندای ملکوتی «لَا فَضْلَ لِلْعَرَبِیِّ عَلَی الْعَجَمِیِّ وَ لَا لِلْأَبْیَضِ عَلَی الْأَسْوَدِ إِلَّا بِالتَّقْوَى»، فضای جامعه را عطرآگین کرد و از مردمی پست و زیون، انسان‌هایی رشید و بااراده ساخت؛ به طوری که توانستند بر قدرت‌های عصر فائق آیند؛ این مبارزه علیه باطل ادامه داشت و باطل همانند طبل تو خالی جلوه‌گری می‌کرد و حق، آرام به راه خود ادامه می‌داد تا آنکه با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام، مسلمانان جان تازه‌ای گرفتند و مظلومان جهان امیدوارتر شدند و برای همه روشن شد که چگونه ملتی می‌تواند بدون داشتن تجهیزات نظامی بر نظام تا دندان مسلح پیروز شود؛ وثابت شد که فرهنگ مبتنی بر منطق بر تمام فرهنگ‌ها و قدرت‌های پوشالی پیروز خواهد شد. اگر پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، باور کردن پیروزی حضرت مهدی علیه السلام برای بسیاری، سخت بود؛ اما امروز این مسئله حل شده است و تمام

ملت‌های جهان آگاه شده‌اند که بدون سلاح نیز پیروزی ممکن است. اینها همه نشان‌دهنده‌ی آنست که اگر دانشمندان اسلامی سعی بیشتری کنند و اسلام را به زبان روز و به خوبی معرفی نمایند و زیبایی‌های آن را بشناسانند، جهان به سرعت برای حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام آماده خواهد شد؛ زیرا دیدگاه‌های اسلامی با خواسته‌های فطری و آرزوها و آرمان‌های اصلی تمام انسان‌ها هم‌خوانی دارد: عدالت؛ صلح؛ انسان‌دوستی؛ خیرخواهی؛ وحدت؛ و... را همه دوست می‌دارند.

امام باقر علیه السلام فرمود: «به‌طور قطع وقتی قائم ما قیام می‌کند مردم را در قالبی نو به اسلام فرامی‌خواند همان‌گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز به روش جدید مردم را فراخواند».

بشارت‌های آسمانی

رسیدن به فیض حکومت واحد و عدل فراگیر جهانی وعده‌ای است که خداوند حکیم طبق خواست و سرشت انسان از راه‌های گوناگون (یعنی انبیا و ائمه علیهم السلام) به او داده است تا برای رسیدن به آرامش روانی و کمال و ارزش و به‌دور از هرگونه تبعیض و ستم، با امید و دل‌گرمی کامل، در خودسازی و آمادگی برای رسیدن به آن تلاش نماید. در اینجا در صدد نیستیم بشارت‌های آسمانی را به‌طور کامل بررسی کنیم، بلکه خلاصه‌ای از آنها را می‌آوریم تا

پیروان ادیان مختلف شوق بیشتری برای ایجاد صف واحد و منسجم و آمادگی نسبت به این امر مهم پیدا کنند^۱:

بشارت اول

از شاکمونی که در بین هندوها به عنوان پیامبر شهرت دارد، چنین نقل شده که: «پادشاه دنیا، فرزند سید خلائق جهان (کشن)^۲، کسی است که بر کوههای مشرق و مغرب دنیا، حکم کند و بر ابرها فرمان راند و بر آنها سوار شود و فرشتگان، کارکنان او باشند و جن و انس در خدمت او قرار گیرند».

بشارت دوم

از کتاب باسک که از کتاب‌های آسمانی هندوها است: «چرخش روزگار، به پادشاهی عادل در آخر الزمان می‌رسد که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد و از آنچه در دریا و زمین و کوهها پنهان باشد، خبر دهد و کسی بزرگ‌تر از او به دنیا نیامده باشد».

بشارت سوم

چون مدت روزگار تمام شود، دنیای کهنه، نو شود و زنده گردد

۱. در این بخش، از کتاب حضرت مهدی در بشارت‌های آسمانی استفاده شده است.

۲. نام گرامی پیامبر به زبان هندی است.

و صاحب ملک تازه پیدا شود که از فرزندان پیشوایان بزرگ جهان است و یکی از آنها ناموس اعظم است (مراد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد) و دیگری صدیق اکبر یعنی وحی بزرگ‌تر، که (پشن)^۱ نام دارد.

بشارت چهارم

در زبور، کتاب آسمانی حضرت داوود چنین آمده است: «ای خدا، شرع و احکام خود و ملک و احکام خود را به ملک‌زاده عطا فرما تا اینکه قوم تو را بر اساس عدالت؛ و فقرای تو را بر اساس انصاف، حکومت نماید.

بر فقیران قوم حکومت کند و پسران مستمند را نجات دهد و قدرت ستمگران را درهم شکند؛ از دریا تا دریا و از نهر تا نهر و تا دورترین نقاط زمین سلطنت کند...»

بشارت پنجم

در کتاب اشعیای نبی، نقل شده است که: «کسی را از مشرق برخواهد انگیخت که ... امت‌ها را به وی تسلیم می‌کند و او را بر پادشاهان مسلط می‌گرداند و ایشان را مانند غبار در برابر شمشیر و گاهی که پراکنده می‌شود، به کمان او تسلیم خواهد کرد و ایشان را

۱. منظور حضرت علی علیه السلام است.

از راههایی که با پای خود نرفته تعقیب خواهد نمود و به سلامتی خواهد گذشت.

بشارت ششم

در انجیل یوحنا چنین آمده است: «فرزند ذکوری زایید که به عصای آهنین بر همه‌ی طوائف حکم خواهد راند و آن بچه را ربوده نزد خداوند خواهد رساند... در زمان و زمانیان و نصف زمان غایب از نظر ما». منظور از ما: ستمگران، حاکمان غاصب و شیاطین انس و جن است.^۱

بشارت هفتم

ابن عربی نیز که از عرفای اهل تسنن است، از سخنان پیامبر اسلام درباره‌ی بشارت‌هایش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام روایاتی آورده است و تحت عنوان این مطلب می‌گوید: «فی معرفة وزراء المهدي الظاهر في آخر الزمان الذي بشر به رسول الله»^۲ و با آوردن آیاتی می‌گوید: «تنها خداست که نیاز به وزیر ندارد، اما امام زمان علیه السلام که کار بزرگی به عهده دارد، قطعاً نیاز به وزیران کارآمد دارد.

۱. حضرت مهدی در بشارت‌های آسمانی (در بخش بشارت‌ها از این کتاب استفاده شده است).

۲. یعنی: در شناخت وزیران مهدی که در آخر الزمان ظهور خواهد کرد و پیامبر به او بشارت داده است.

پیش از آنکه از مطالب ابن عربی نکاتی را بیان کنیم، ضروری است یادآوری کنیم که عرفان حقیقی از سوی خداوند به پیامبر اسلام ﷺ و امامان علیهم السلام به ترتیب و از یکی به دیگری تا امام زمان علیه السلام منتقل شده است؛ با این وجود اشکالی ندارد بلکه شاید ضروری هم باشد که نظر عرفای غیر شیعه هم مورد مطالعه قرار گیرد تا از مطالب درست استفاده شود و چنانچه نکته‌ی انحرافی بود مورد نقد قرار گیرد.

ابن عربی پس از آوردن چند حدیث از پیامبر بشارت‌های زیر را بیان کرده است:

۱. حضرت مهدی در زیبایی، شبیه رسول خدا ﷺ است ولی در خلق و ملکات روحی با همه‌ی والا مقام بودنش از آن حضرت پایین‌تر است؛ زیرا هیچ‌کس در مکارم اخلاق به او نمی‌رسد همان‌گونه که خداوند درباره‌ی او فرمود: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾^۱؛

۲. عدالت‌گستر است؛

۳. به محتاجان کمک‌های مالی فراوان می‌کند؛

۴. تغییر و تحول‌های عجیبی ایجاد می‌کند و به برخی از افراد جاهل، ترسو و بخیل با نظر ولایی خود، آگاهی، شجاعت و کرم عطا می‌کند؛

۱. سوره‌ی قلم: آیه‌ی ۴؛ یعنی: و به راستی که تو را خوبی والا و بزرگ است.

۵. آنچه می‌گوید عمل می‌کند؛
 ۶. علم شهودی دارد نه تصویری؛
 ۷. شهر روم را با تکبیر، فتح می‌کند در حالی که هفتاد هزار نفر همراه دارد؛
 ۸. به اسلام عزت می‌بخشد؛
 ۹. دین حقیقی را آن‌گونه پیاده می‌کند که اگر رسول خدا بود همان‌گونه می‌کرد؛
 ۱۰. عموم مسلمانان از آمدنش شاد می‌شوند؛
 ۱۱. عارفان به حقایق که از راه ریاضت و کشف و شهود معرفت پیدا کرده‌اند، با او بیعت می‌کنند؛
 ۱۲. رجال الهی که وزیران اویند، یاری‌اش می‌کنند و حل مشکلات کشورداری را به عهده می‌گیرند؛
 ۱۳. حضرت عیسی ابن مریم به حضورش شرفیاب می‌شود.
- ابن عربی در ادامه می‌گوید: «مؤمنان درجاتی دارند؛ برخی صادق و برخی صدقشان بیشتر است و خداوند مؤمنی را که خللی در ایمانش وارد نشود، بر مؤمنی که ایمانش خلل دارد، غلبه می‌دهد؛ از این رو هیچ پیغمبری از صحنه‌ی جنگ فرار نکرده و به دشمن پشت نکرده، بلکه مؤمن کامل، همیشه پیروز است؛ ولی در جنگ حنین، هنگامی که صحابه، بسیاری دشمن را دیدند، شگفت زده شدند و خدا را فراموش کردند».

وی در ادامه می‌گوید: «آنها که در جنگ بدون ترس، پیش می‌روند، بر اثر شدت صدق و راستی است که هیچ ترسی ندارند. از عارفی پرسیدند: اسم اعظم، کدام است؟ پاسخ داد: آن اسم خدا که کوچک باشد کدام است؟ یعنی: تمام اسم‌های الهی اعظم‌اند؛ ولی صدق و راستی لازم است تا انسان بتواند از اسم نتیجه بگیرد؛ راست بگو و با هر اسم، هرکاری که خواستی می‌توانی انجام دهی؛ با صدق بود که حضرت یونس، آن بچه را که تمساح بلعیده بود، نجات داد!»^۱

به ابن عربی باید گفت: تنها نمی‌شود به صدق تکیه کرد؛ بلکه به همه کمالاتی که خداوند حکیم در نظر گرفته است؛ اگر کسی صدق همه جانبه داشته باشد و تمام رفتارها و گفتارهایش صادقانه باشد، می‌تواند با اذن او کارهای فوق‌العاده انجام دهد؛ و گاهی با وجود صدق کامل، مصلحت الهی اقتضا می‌کند که مؤمنان پیروز نشوند. این مطلب به‌عنوان حکمت الهی در عقاید شیعه تقریر شده است. در این نوشتار در صدد نیستیم بیش از این، سخنان ابن عربی را نقد کنیم؛ اما کتاب‌ها پر از اخبار متواتری است که از اوصیای رسول خدا ﷺ یعنی دوازده امام همام علیهم‌السلام رسیده و حاکی از آنست که عرفان حقیقی نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشد و از او به امیر مؤمنان و از او به امامان بعدی منتقل شده و به امام زمان علیه‌السلام رسیده است؛ از همین

۱. الفتحاح المکیة، ج ۳، ص ۳۲۷ تا ۳۲۹.

رو عرفان صحیح نزد اهل بیت علیهم السلام است و عرفان ادیان و مذاهب دیگر با اشتباهات بسیاری آمیخته شده که برای اطلاع بیشتر باید به منابع مربوطه مراجعه کرد.

در اینجا به تناسب بحثِ بشارتها، یادآور می‌شویم که عده‌ی بسیاری از دانشمندان اهل تسنن ظهور حضرت مهدی علیه السلام را پذیرفته و هر یک با بیان خاصی آن را ابراز داشته‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

سید جمال الدین عطاء الله در روضة الأحابس چنین می‌گوید:

بسیای ای امام هدایت شعار

که بگذشت از حد، غم انتظار

ز روی همایون برافکن نقاب

عیان ساز رخسار چون آفتاب

شیخ احمد جامی، نیز اشعاری در این زمینه سروده است:

عسکری نور دو چشم آدم است و عالم است

همچو یک مهدی سپهسالار در عالم کجاست؟

شیخ فرید الدین محمد عطار نیشابوری نیز اشعاری را سروده

و در بخش پایانی آنها چنین آورده است:

مهدی هادی است تاج اتقیا بهترین خلق، برج اولیا

ای تو ختم اولیای این زمان وز همه معنی نهانی جانِ جان

ای تو هم پیدا و پنهان آمده بنده عطارت ثنا خوان آمده

بشارت حضرت ادریس علیه السلام

سید ابن طاووس از صحف حضرت ادریس علیه السلام آورده است: هنگامی که ابلیس گفت: مرا تا روز قیامت مهلت بده. خدای سبحان به او فرمود: نه، فقط تا روزی مهلت می‌دهم که می‌خواهم زمین را از کفر و شرک و گناهان نجات دهم. در این بشارت از قول خدای سبحان به پنج نکته اشاره شده است:

۱. بندگان را انتخاب می‌کنم و به آنها قدرت می‌دهم ... که دارای ایمانند و از ورع و اخلاص و یقین و تقوی و خشوع و حلم و صبر و وقار و زهد در دنیا و رغبت به من برخوردار باشند؛
۲. در آن زمان امنیت را در زمین برقرار می‌کنم و آزار و اذیت‌ها را برطرف می‌سازم؛
۳. بر زمین برکات نازل می‌کنم؛
۴. رأفت و رحمت بین مردم ایجاد می‌کنم تا نعمت‌ها به‌طور مساوی تقسیم شود و فقیران بی‌نیاز شده و برخی بر برخی دیگر برتری نداشته باشند؛ بزرگ‌ترها به کوچک‌ترها رحم کنند و کوچک‌ترها بزرگ‌ترها را محترم شمارند؛
۵. ابلیس و لشکر او را نابود می‌کنم و مراد از (یوم الوقت المعلوم) همان روز است.^۱

۱. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳۸۴ و ۳۸۵.

ارزیابی آینده استان قم

با توجه به اینکه قم در روایات، با ارزشهای فراوان معنوی معرفی شده و آینده‌ی درخشانی در زمان غیبت برای آن ترسیم شده و نمونه‌هایی از آن به چشم می‌خورد، به مناسبت، چند حدیث در این باره به عنوان بهترین ارمغان تقدیم خوانندگان می‌شود:

حدیث اول:

امام صادق علیه السلام فرمود: «به تحقیق خداوند حکیم، کوفه و اهل آن را به عنوان الگو بر همه‌ی مؤمنان؛ ولی قم را الگو بر همه‌ی اهل زمین از جن و انس قرار می‌دهد و هرگز قم و اهل آن را مستضعف نمی‌کند؛ بلکه آن‌ها را در امور خیرشان موفق و آنان را تأیید می‌نماید؛ اگرچه در نظر ظاهریینان، قم و اهلس ذلیل به نظر آیند؛ چرا که اگر این طور نباشد، افراد نااهل به آن هجوم می‌آورند و آن را از بین می‌برند و اگر قم از بین برود، آسمان و زمین استقرار نخواهد داشت و این وضع در زمان غیبت قائم ما تا ظهورش به تحقق می‌پیوندد. اگر این گونه نباشد، زمین اهلس را نابود می‌کند و البته فرشتگان، بلاها را از اهل قم دور می‌کنند و هیچ زورگویی نسبت به قم قصد سوء نمی‌کند مگر آنکه خداوند درهم شکننده‌ی جباران، او را درهم می‌شکند».

مصدق این روایت، شکست مفتضحانه‌ی امریکا در صحرای

ظلم بود که هدف اصلی از تجاوز آن نابودی قم بود؛ مصداق دیگر آن، نابودی رژیم پهلوی و عوامل آن بود که می‌گفتند: قم باید مانند واتیکان از مملکت جدا شود و فقط به کارهای خودشان پردازند و با سیاست و حل مشکلات مردم کاری نداشته باشند...؛ ولی خداوند اراده کرد که جباران، قم را به فراموشی بسپارند همان‌گونه که او را فراموش کردند.

حدیث دوم

امام صادق علیه السلام فرمود: به زودی کوفه از مؤمنان خالی می‌شود؛ همان‌گونه که ما از لانه‌اش فاصله می‌گیریم؛ آن‌گاه علم در قم آشکار می‌گردد و آنجا معدن علم می‌شود تا اینکه هیچ مستضعفی باقی نمی‌ماند و حتی بانوان پشت پرده نیز فقیه و آگاه شوند و این وضع، نزدیک ظهور قائم ما تحقق خواهد یافت. در آن هنگام همه و همه از معارف دین آگاه می‌شوند و حجت خدا بر خلق کامل می‌گردد و از هر کس که منکر شود توسط حضرت انتقام گرفته خواهد شد؛ همان‌گونه که خداوند فرمود: ﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا﴾؛ یعنی: و ما کسی را عذاب نمی‌کنیم مگر آنکه پیشاپیش رسولی برانگیخته باشیم.

حدیث سوم

امام صادق علیه السلام فرمود: سرزمینی که قم نام دارد، معدن شیعیان ما است؛ اما شهر ری، از دو طرف شرق و غرب با خطر مواجه می‌شود و از سمت قم امنیت خواهد داشت؛ آن دو طرف خراسان و بغداد است.

حدیث چهارم

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «قُمُ عَشُّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَأْوَى شِيعَتِهِمْ وَ لَكِنْ يُهْلَكُ جَمَاعَةٌ مِنْ شَبَابِهِمْ بِمَعْصِيَةِ آبَائِهِمْ وَ الْإِسْتِخْفَافِ وَ السُّخْرِيَّةِ بِكُبْرَائِهِمْ وَ مَشَايِخِهِمْ وَ مَعَ ذَلِكَ يُدْفَعُ عَنْهُمْ الْأَعَادِي»؛ یعنی: قم، لانهی آل محمد صلی الله علیه و آله و جایگاه شیعیان آنهاست؛ ولی گروهی از جوانان قم در اثر نافرمانی از پدرانشان و نیز تحقیر بزرگان و شخصیت‌ها هلاک خواهند شد و با این وجود، دشمنان از آنها دور خواهند شد.

حدیث پنجم

امام رضا علیه السلام فرمود: بهشت هشت در دارد که یکی از آنها برای اهل قم است؛ خوشا به حال آنان، خوشا به حال آنان.

حدیث ششم

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: مردی از اهل قم، مردم را به حق

دعوت می‌کند و گروهی که مانند قطعه‌های آهن باشند و پادهای
وزنده آنها را تکان نمی‌دهد دور او گرد می‌آیند و از جنگ خسته
نخواهند شد و نخواهند ترسید و بر خدا توکل خواهند کرد
و خوشبختی نهایی از آن پرهیزگاران است.

حدیث هفتم

امام صادق علیه السلام فرمود: قم از آن جهت، قم نامیده شد که اهل آن،
گرد حضرت قائم علیه السلام جمع می‌شوند و با او قیام می‌نمایند
و استقامت کرده، او را یاری می‌کنند.

حدیث هشتم

امام صادق علیه السلام فرمود: خوشا به حال برادران ما در قم؛ زیرا
به زودی زنی از فرزندان من به نام فاطمه در آنجا دفن خواهد شد؛
هرکس زیارتش کند، بهشت بر او واجب می‌گردد (البته به شرط
معرفت و با شرایطش).

حدیث نهم

امام صادق علیه السلام فرمود: سلام خدا بر اهل قم. خدا آنان را با باران
سیر می‌نماید و بر آنها برکت فرو می‌فرستد و گناهانشان را تبدیل به
حسنات می‌کند؛ آنان اهل رکوع و سجود و قیام و قعودند؛ فقیهان

و عالمان و فهیمان و اهل درایت و روایت و حَسَن العباده‌اند.^۱
 امام صادق، ز صفا، به قم سلام می‌کند
 دعا برای اهل قم، ز دل مدام می‌کند
 بشارت از رحمت حق، ز آسمان خبر دهد
 خبر ز خیر و هم خوشی، بر همگان ثمر دهد
 خبر دهد اهل قم‌اند، اهل سجود و قیام
 کسب علوم دین بود، برای آنها مرام

حدیث دهم

امام باقر علیه السلام فرمود: «کأني بقوم قد خرجوا بالمشرق يطلبون الحق فلا يعطونه، ثم يطلبونه فلا يعطونه، فإذا رأوا ذلك وضعوا سيوفهم على عواتقهم فيعطون ما سألوا فلا يقبلونه حتى يقوموا، ولا يدفونها إلا إلى صاحبكم، قتلهم شهداء، أما إنني لو أدركت ذلك لأبقيت نفسي لصاحب هذا الأمر»^۲؛ یعنی: گویا می‌بینم گروهی از مشرق زمین را که قیام کرده‌اند و حق را می‌طلبند ولی به آنها داده نمی‌شود، باز آن را طلب می‌کنند ولی به آنها داده نمی‌شود؛ در این هنگام اسلحه خود را بر دوش می‌گیرند که در این صورت به آنها آنچه را طلب کرده بودند داده خواهد شد ولی آنها نخواهند پذیرفت تا اینکه قیام می‌کنند و حکومت را به کسی جز صاحب

۱. منبع نه حدیث مذکور: بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۱۲ تا ۲۱۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳.

شما نخواهند سپرد؛ همانا کشته‌های آنان شهیدند؛ هرآینه اگر من این زمان را درک می‌کردم، خودم را برای صاحب این امر آماده می‌کردم.

این روایت با قیام مردم قم به رهبری امام خمینی علیه السلام در ۱۵ خرداد ۴۲ و کشتار وسیع و بی‌رحمانه‌ی مردم توسط رژیم پهلوی هم‌خوانی دارد که وقتی مردم لجاجت رژیم پهلوی را می‌بینند، دست به سلاح برده و تصمیم به سرنگونی رژیم طاغوتی می‌گیرند و هیچ قولی را نمی‌پذیرند تا اینکه در ۲۲ بهمن ۵۷ پیروز می‌شوند و این انقلاب به یاری خدا تا قیام حضرت مهدی علیه السلام ادامه خواهد داشت.

احادیث ظهور

حدیث اول: ثلث باقی مانده

امام صادق علیه السلام فرمود: امر ظهور حضرت تحقق نمی‌یابد مگر آن‌که دوسوم از مردم از بین روند. پرسیدند: اگر دوسوم از مردم از بین روند، دیگر چه می‌ماند؟ حضرت فرمود: آیا نمی‌خواهید آن یک‌سوم باقی باشند؟^۱

حدیث دوم: اوضاع عجیب

خدا بهتر می‌داند که چه اوضاع عجیب و چه حوادث

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳.

شگفت‌انگیزی و نیز چه خوشی‌های دل‌انگیز و چه اتفاقات قابل توجهی با ظهور حضرت علیه السلام صورت خواهد گرفت؛ در تفسیر آیه: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ»^۱؛ یعنی: ما نشانه‌های خود را در افقها و در درونشان به آنها نشان خواهیم داد، امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: خداوند فتنه‌های عجیبی از آفاق زمین و مسخ شدن دشمنان حق به نمایش خواهد گذاشت.

گر بیاید محک تجربه روزی بهمیان

پس سیه‌روی شود آنکه در او غش باشد

حدیث سوم: خبر از فاجعه‌ی عراق

امام صادق علیه السلام فرمود: مردم پیش از قیام قائم علیه السلام بوسیله‌ی چند امر از گناه دور می‌شوند:

۱. آتشی که از آسمان می‌آید؛

۲. تاریکی که در بغداد و بصره رخ می‌دهد؛

۳. خون‌هایی که در آنجا بر زمین ریخته می‌شود؛

۴. خرابی‌هایی که در خانه‌های آنها رخ می‌دهد؛

۵. نابودی اهل آنجا؛

۶. فراگیری ترس بر اهل عراق.^۲

۱. سوره‌ی فصلت: آیه‌ی ۵۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲.

به نظر می‌رسد که این روایت از وضعیت جدید عراق خبر می‌دهد و بدین ترتیب می‌توان نزدیکی ظهور حضرت را پیش‌بینی کرد.

رَزَقْنَا اللَّهَ رُؤْيَتَهُ وَ جَعَلْنَا مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ

خداوند دیدار رویش را روزی ما کند و ما را از یاران و همراهان او قرار دهد.

حدیث چهارم: اوصاف یاران حضرت مهدی علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: گویا می‌بینم یاران حضرت قائم علیه السلام را در نجف و کوفه که در اثر معنویت، حال عادی ندارند؛ به ظاهر و لباس و سر و وضع خود توجه چندانی ندارند؛ ولی آثار سجده بر چهره‌های آنان نمایان است؛ شیرهای روز و عابدان شب‌اند؛ دل‌های آنان در راه اسلام همچون قطعه‌های آهن محکم است و هر یک از آنان نیروی چهل مرد را دارد و به دست منافق یا کافر کشته می‌شوند؛ و از همین روست که قرآن فرموده: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٌ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ»^۱.

یکی از این یاران، حضرت خضر نبی علیه السلام که بنا بر روایتی از امام رضا علیه السلام همواره ندیم و همراه حضرت ولی عصر علیه السلام است.^۲

۱. سوره‌ی حجر: آیه‌ی ۷۵؛ یعنی: همانا در آن نشانه‌هایی برای هشیاران است.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶ و ج ۲۵، ص ۳۳۶. و به نقل از کتاب خضر نبی.

حدیث پنجم: نشانه‌های یاران حضرت علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت مهدی علیه السلام یارانی دارد که ویژگی‌هایی این‌گونه دارند:

۱. دل‌هایشان استحکامی مانند استحکام پاره‌های آهن دارد؛
۲. شب‌ها بیدارند و به عبادت می‌پردازند؛
۳. در نمازشان آهنگ معنوی و جذابی همانند صدای زنبور است که در کنار لانه‌اش شنیده می‌شود؛
۴. روز، همانند شیر، شجاعانه آماده رزم یا در حال رزم‌اند؛
۵. نسبت به آقا مطیع و فرمانبردارند؛
۶. مانند چراغ، راه و رسمشان روشن است؛
۷. از عظمت خداوند در خشیت‌اند؛
۸. برای شهادت خود دعا می‌کنند؛
۹. آرزوی کشته شدن در راه خدا را دارند؛
۱۰. شعارشان یالثارات الحسین علیه السلام (ای انتقام‌گیرندگان خون حسین) است؛
۱۱. خوف و رعب در برابر آنها در حرکت است (کنایه از آنکه در سایه‌ی قدرت الهی پیش از آنکه به جایی حمله کنند، رعب در دل دشمنان می‌افتد)؛
۱۲. خداوند به وسیله‌ی آنان امام حق را یاری می‌نماید.

حدیث ششم: انس حضرت مهدی با حضرت خضر علیه السلام
امام رضا علیه السلام فرمود: به تحقیق خضر علیه السلام از آب حیات نوشیده
است؛ او زنده است و نمی میرد تا زمان نفخ صور؛ او نزد ما می آید
و سلام می دهد؛ سلام او را می شنویم ولی شخص او را نمی بینیم
و هر جا از او یاد شود، حاضر می شود؛ پس هر کس او را یاد کند، بر
او سلام کند؛ او در مراسم حج شرکت می کند و همه ی وظایف حج
را انجام می دهد و در عرفه وقوف می نماید و دعاهای مؤمنان را
آمین می گوید و خداوند بوسیله ی او قائم ما را در طول غیبت
آرامش می دهد و تنهایی او را مرتفع می سازد.^۱

حضرت خضر علیه السلام که بنابر آیات و روایات، انسان فوق العاده ای
است، هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام از پرچمداران مهم او
خواهد بود؛ در داستان محمد بن ابی داوود چنین آمده است: همراه
جعفر به مسجد سهله و صعصعه رفتم، دو شخص ناشناس دیدم،
به یکی از آنها گفتم: «نظنک الخضر»؛ یعنی: گمان می کنیم تو
خضر علیه السلام باشی. پاسخ داد: «وَاللَّهِ أَنَا لَمَنْ الْخَضِرُ مَفْتَقَرٌ إِلَى رُؤَيْتِهِ،
انصرفا أنا إمام زمانکم»؛ یعنی: به خدا قسم من آنم که خضر نیازمند
دیدن اوست، راهی شوید که من امام زمان شما هستم.^۲

۱. بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۲۹۹.

۲. مسجد کوه خضر، ص ۶۷.

حدیث هفتم: روز ظهور

امام صادق علیه السلام فرمود: روز نوروز، حضرت مهدی علیه السلام و متولیان امر، ظهور می‌کنند و در هر روز نوروزی توقع ظهور او را داریم، فارسیان آن را حفظ کرده و شما آن را ضایع کردید.

این روایت و روایاتی دیگر احتمال ارزشمند بودن نوروز را بیشتر می‌کنند و در این صورت کارهای نیک در این روز بیشتر مورد تأکید قرار می‌گیرد؛ ولی نباید به این بهانه، عده‌ای از آن و از روزهای مقارن آن سوء استفاده کرده و خود را مبتلا به انواع گناهان سازند؛ چرا که قوانین طبیعی و تشریحی در اثر دگرگونی روزها تغییر نمی‌یابد؛ بویژه کسانی که به نوعی به امام زمان علیه السلام منسوب‌اند باید بیشتر مراقب باشند و از زشتی‌ها پرهیزند و در اثر گناه، یأس و نومیدی و افسردگی و بدبختی برای خود فراهم ننمایند؛ و جوانان باید توجه داشته باشند که سرنوشت آنان را رفتار آنان در دوران جوانی تعیین خواهد کرد!

ظهور در نوروز

در جوانی پاک بودن شیوه پیغمبر است

ورنه هر گبری به‌پیری می‌شود پرهیزکار

خود مهیا کن جوان، بهر اطاعت از رسول
ورنه چون شیطان شوی، مطرود از پروردگار
کن مهیا بر ظهورش خود به ایام سرور
ورنه در ایام غم، هر شخص باشد غمگسار
نو نباشد روز، گر عصیان و طغیان می‌کنی
گر نشد خیری ز تو صادر، نمی‌فهمی بهار

حدیث هشتم: ویژگی‌های حضرت ﷺ

پیامبر گرامی اسلام ﷺ برای حضرت ولی عصر ویژگی‌هایی
برشمرده‌اند که ما مهم‌ترین آنها را یادآور می‌شویم:

۱. کسی است که هر مؤمنی که میثاق ولایت بسته باشد او را
می‌پذیرد و هر آنکه در عالم ذر منکر او شده باشد، او را نخواهد
پذیرفت؛

۲. دارای تقوا و پاکیزگی و هادی و مهدی و حاکم به عدل است؛

۳. خداوند او را تصدیق می‌کند و او خدای را؛

۴. سیصد و سیزده یاور دارد که نام آنها و ویژگی‌هایشان در

صحیفه ثبت است؛

۵. پرچمی دارد که هنگام ظهور برافراشته می‌گردد و به قدرت

الهی به سخن در می‌آید که: ای ولی خدا خروج کن و دشمنان خدا
را هلاک کن؛

۶. شمشیری دارد که هنگام ظهور از نیام بیرون آید و چنین گوید: ای ولی خدا، کوتاهی در کشتن دشمنان خدا جایز نیست؛
۷. حدود الهی را پیاده می‌کند و بر اساس احکام الهی حکم می‌راند؛

۸. جبرئیل در سمت راست او و میکائیل در سمت چپ او حرکت می‌کنند؛

۹. خوشا به حال آنکه دیدارش کند و او را دوست بدارد و با او سخن گوید؛

۱۰. مثال یاورانش مثال مشک خوشبویی است که هرگز بوی خوشش کم نمی‌شود و مانند ماه درخشانی است که هرگز نورش کم نشود.

در روایتی دیگر از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین آمده است: در معراج بودم که به خدای تعالی عرض کردم: جانشینانم چه کسانی هستند؟ فرمود: آنهاوند که نامشان بر ساق عرشم نوشته شده است. نگاه کردم، دوازده نور دیدم که در هریک نام یکی از اوصیایم بود، نخست آنها، علی عَلِيٌّ و آخرین آنها مهدی امتم... آنگاه خداوند فرمود: قسم به عزت و جلالم که به وسیله‌ی آنها دینم را به جهانیان اعلام می‌کنم و به وسیله‌ی آنها کلمه‌ی حق را سربلند می‌سازم و زمین را به وسیله‌ی آخرین آنها پاکسازی می‌کنم و آن را در کنترل او قرار می‌دهم و باد و ابر و اسباب دیگر را برای او مسخر می‌سازم

و به وسیله‌ی فرشتگانم به او مدد می‌رسانم و روزگار قدرت اولیایم را میان آنان به تناوب به گردش در خواهم آورد.^۱

حدیث نهم: مردی برای رهایی انسان‌ها

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: خداوند در آخر الزمان، برای رهایی انسان‌ها مردی را خواهد فرستاد که به وسیله‌ی فرشتگانش او را یاری خواهد کرد و با نشانه‌های قدرتش او را به پیروزی خواهد رساند تا آنکه مردم به میل یا از روی اجبار به دین خدا گرایش پیدا خواهند کرد و عدل و قسط و نور و برهان را در زمین فراگیر خواهد ساخت؛ آن‌گونه که هیچ کافری باقی نخواهد ماند و تمام درندگان در سازش خواهند بود و زمین گیاهان را خواهد رویاند و آسمان برکات خود را فرو خواهد فرستاد؛ پس خوشا به حال آنکه روزگار او را دریابد و سخنش را بشنود.

پس از ظهور

۱. حضرت، فرزندان قاتلان امام حسین علیه السلام را که راضی به قتل او بوده‌اند خواهد کشت؛
۲. حضرت، به کتاب جفر احمر (کنایه از کشتار زیاد) عمل می‌کند در حالی که علی علیه السلام به کتاب جفر ابیض عمل کرد؛

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۰ تا ۳۱۲.

۳. هرکس با او بیعت کند در امنیت خواهد بود؛
۴. آن حضرت، حمیرا را پس از آنکه زنده می‌کند، خواهد کشت تا دل حضرت زهرا علیها السلام را شاد سازد؛
۵. نخستین بیعت کننده با حضرت، جبرئیل خواهد بود و پس از او سیصد و سیزده تن؛
۶. آغاز و سرانجام خلقت به برکت اهل بیت است و از برکات ظهور امام زمان علیه السلام برطرف شدن کینه‌ها و سازش چارپایان و درندگان و نزول برکات آسمانی و رشد گیاهان به‌طور غیرعادی و امنیت همگانی است؛
۷. بیماری از شیعه برطرف می‌شود و هر یک از شیعیان نیروی چهل مرد را می‌یابد و حاکم و سرآمد مردم می‌شوند؛
۸. حضرت با اهل و عیال خود به مسجد سهله می‌رود و در آنجا سکنی خواهد گزید؛ چرا که آنجا منزل حضرت ادریس علیه السلام بوده و هر پیامبری مبعوث شده است، در آنجا نماز گزارده است و دل هر مؤمنی شوق آنجا را دارد و فرشتگان شبانه‌روز برای عبادت به آنجا می‌روند؛
۹. هرکس در رکاب او شهید شود، اجر دو شهید و هرکس در رکابش دشمنی را بکشد، اجر بیست شهید دارد؛
۱۰. هنگام دیدن او، این‌گونه سلام کن: «السلام علیکم یا اهل بیت النبوة و الرحمة و معدن العلم و موضع الرسالة، السلام علیک یا بقية الله في أرضه»؛

۱۱. هنگامی که مهدی ما بیاید شیعه از شیر شجاع‌تر و از نیزه برتر می‌شود؛

۱۲. یاران آن حضرت خیمه‌های خود را در مسجد کوفه برپا می‌سازند؛

۱۳. سنّ حضرت علیه السلام همواره به چهل سالگی می‌نماید؛

۱۴. قضاوتش بر اساس واقع است و نیازی به شاهد ندارد؛ بلکه از علم غیب بهره می‌گیرد؛

۱۵. عمر حضرت بسیار ولی چهره‌ای جوان و بدنی نیرومند دارد به طوری که اگر بخواهد قوی‌ترین درخت را از زمین درآورد، می‌تواند و اگر در میان کوهها فریادی برآورد، صخره‌ها از هم می‌پاشند و عصای موسی و خاتم سلیمان در اختیار اوست؛

۱۶. حضرت دستور می‌دهد مناره‌های مساجد را تخریب کنند؛

۱۷. طبیعت نیز در کشتن کافران یاریش خواهد کرد و اگر کافری

در دل سنگ هم باشد، آن سنگ به قدرت الهی به سخن درخواهد آمد که: ای مؤمن مرا بشکن و او را بکش؛

۱۸. از مکه ظهور می‌کند و منادی ندای دهد که هیچ غذا و آبی با

خود نیاورید، که هر جا لازم باشد چشمه‌ای خواهد جوشید و زمینه

سیری و سیرابی شما فراهم خواهد شد (و در برخی از روایات

آمده است که شیر و آب از چشمه خواهد جوشید)؛

۱۹. حضرت علیه السلام با یک نگاه، خوب و بد را می‌شناسد؛

۲۰. سیزده هزار و سیزده فرشته نزدش می آیند که منتظر او بوده‌اند؛ شامل: سیصد و سیزده فرشته روز بدر؛ چهار هزار فرشته مسومین و چهار هزار فرشته که به یاری امام حسین علیه السلام شتافتند ولی حضرت به آنها اجازه داد که برگردند و هنگامی که باز گشتند حضرت به شهادت رسیده بود و از آن زمان در کنار مرقدش پڑمرده و غبارآلود به گریه نشسته‌اند؛

۲۱. عمود پرچم او از عمودهای عرش و آوردنده‌ی آن جبرئیل است؛

۲۲. سیصد و سیزده نفر به تعداد اهل بدر پرچمداران و استانداران اویند؛

۲۳. به جز یازده نفر نقیب، بقیه‌ی یاران او به سرعت برای اجرای فرمان‌های او پراکنده می‌شوند و اداره‌ی امور جهان را به دست می‌گیرند؛

۲۴. همه پدیده‌های جهان تحت امر آن حضرت‌اند؛ و تمام درندگان و پرندگان در تأمین رضایت او می‌کوشند تا آنجا که سرزمینی که برخی از یاران حضرت از آن عبور کرده باشند، بر سرزمین‌های دیگر فخر می‌فروشد؛

۲۵. حضرت لوط علیه السلام با خواندن آیه‌ای آرزو می‌کرد که خداوند مقداری از نیروی آن حضرت را به او نیز بدهد: **﴿لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ﴾**

أُو آوي إلی رُکنِ شَدیدِ؛ یعنی: کاش برای مقابله با شما قدرتی داشتم یا به تکیه گاهی استوار پناه می‌جستم. این آیه نشان می‌دهد که حضرت با نیروی فوق‌العاده‌ای ظهور می‌کند.

۲۶. قمیص (پیراهن) و بازوبندی که جبرئیل آن را برای حضرت ابراهیم علیه السلام آورد و آن حضرت بوسیله‌ی آن از سردی و گرمی محفوظ بود، هنگام وفات خود آن را بر اسحاق علیه السلام بست و اسحاق علیه السلام نیز آن را بر یعقوب علیه السلام بست و حضرت یعقوب علیه السلام نیز آن را بر یوسف بست و اکنون آن پیراهن نزد حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و از اسرار بوده و سبب حفظ می‌باشد.

۲۷. حضرت، به‌طور کامل بر جهان اشراف دارد و تمام زوایای آن را می‌بیند، آنچنان‌که مویی را در دست می‌بینی.

۲۸. وقتی آن حضرت قیام می‌کند دست ولایت بر بندگان می‌کشد و عقل آن‌ها را کامل می‌کند.

۲۹. هر مسجدی که در راه باشد، تخریب می‌کند.

۳۰. بیشتر یاران حضرت، جوان‌اند به جز اندکی، به اندازه نمک غذا.

۳۱. یارانش مانند ابر پاییزی که قطعه قطعه به هم می‌پیوندند، از همه جای دنیا جمع می‌شوند؛ همان‌گونه که در آیه آمده است:

﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۱؛ یعنی: هر جا باشید خداوند همه‌ی شما را به سوی خود باز می‌آورد، همانا خداوند بر هر کاری تواناست.

۳۲. هنگام ظهور، دشمنان به جان هم می‌افتند و شیعیان در آرامش خواهند بود.

۳۳. شیعیان بدون نیاز به ابزار، سخنان حضرت را می‌شنوند و او را می‌بینند.

۳۴. از بیست و هفت مرتبه علم و معرفت، تنها دو مرتبه‌ی آن از سوی پیامبران میان مردم منتشر شده است و بیست و پنج درجه‌ی دیگر آن را حضرت بیان خواهد کرد.

۳۵. براساس سیره و روش پیامبر عمل می‌کند و غذا و لباسش ساده است.

۳۶. حضرت، اسلام را بر پیروان تمام ادیان و بر کافران عرضه می‌کند؛ هر کس نپذیرفت، گردنش را می‌زند تا آنجا که جز موحد کسی باقی نمی‌ماند؛ بمصداق آیه: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^۲؛ یعنی: تا آن را بر همه‌ی ادیان چیره سازد، هر چند مشرکان نپسندند.

۳۷. پیش از ظهور حضرت، آن‌چنان مردم از اسلام ناب فاصله

۱. سوره‌ی بقره: آیه‌ی ۱۴۸.

۲. سوره‌ی براءت: آیه‌ی ۳۳.

می‌گیرند که وقتی آن حضرت اسلام ناب را تبیین می‌کند، همان‌گونه که بیان رسول الله برای مردم جدید بود، برای آنان جدید خواهد بود.

۳۸. هنگامی که مردم به حضورش مشرف می‌شوند، می‌فرماید: «هرکس از خدای عزوجل یا حضرت آدم یا نوح یا ابراهیم یا موسی عليه السلام یا پیامبر صلی الله علیه و آله سوالی دارد، آزادانه بیان کند که من از سوی همه‌ی آنها آمده‌ام!»^۱

چند داستان

هدف از بیان این داستان‌ها، تبیین گوشه‌هایی از عظمت حضرت بقیة الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است؛ از آنجا که در هر یک از این داستان‌ها نوعی مطلب فوق العاده به چشم می‌خورد، سبب تحکیم اعتقاد شیفتگان و منتظران حضرت خواهد بود و آنها را در آماده شدن برای ظهورش کمک خواهد کرد. این داستان‌ها که مثنی است نمونه از خروار، نشان از توان عظیم حضرت در تدارک انقلابی جهانی است.

دستمال شفابخش

آقا جمال الدین اصفهانی می‌گوید: در نجف اشرف شبی بالای

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹ تا ۳۴۱.

سر حضرت امیر مؤمنان علیه السلام رفتم، دیدم شخصی به سجده افتاده و با صدای حزین و روح افزایی این ذکر را می گوید: «نعم الرب أنت وبش العبد نحن»؛ یعنی: چه پروردگار خوبی تو و چه بندگان بدی هستیم ما. چنان این مناجات در من اثر کرد که حس از بدنم رفت و زبانم از سخن باز ماند. برای شنیدن مناجات نشستم، حال دیگری به من دست داد و بی اختیار گریستم. پس از مدتی آن آقا رفت در حالی که نمی توانستم به دنبالش بروم. چشمم به جای سجده اش افتاد، دیدم روی سنگ از اشک چشمانش، تر است. دستمال را در آوردم و آن را به تمام اشکها متبرک کردم. دستمال را به فرزند مریضی که داشتم مالیدم، فوراً شفا پیدا کرد؛ از همین جا دانستم که آن آقا حضرت بقیة الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بوده است^۱.

سنگریزه طلا می شود

دانشمندان و افراد مورد اعتمادی روایت کرده اند که مردی از مدائن می گفت: با یکی از دوستانم به حج رفته بودم و در موقف عرفات نشسته بودیم، جوانی نزدیک ما نشسته بود... سائلی از ما درخواست کمک کرد، او را جواب کردیم. آن سائل نزد آن جوان رفت و از او درخواست کرد. جوان از زمین چیزی برداشت و به او

۱. نقل به مضمون از کتاب: عنایات حضرت مهدی به علما و طلاب، ص ۶۲.

داد، سائل نیز او را بسیار دعا کرد. آن جوان از چشم ما پنهان شد. به نزد سائل رفتیم و پرسیدیم: چه چیزی به تو داد که این همه او را دعا کردی؟ سنگریزه‌ی طلا شده را به ما نشان داد، گفتم: مولای ما نزد ما بوده و ما نمی‌دانستیم!

خمس گرفتن

قطب راوندی در خرایج از حسن مسترق روایت کرده که گفت: روزی در مجلس حسن بن عبدالله بن حمدان ناصر الدوله بودم، از حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سخن به میان آمد و من مسئله‌ی غیبت آن حضرت را استهزا می‌کردم. عمویم حسین داخل مجلس شد، باز من استهزا می‌کردم.

او گفت: فرزندانم، من نیز اعتقاد تو را داشتم، تا آنکه حکومت قم را به من دادند، آنهم در شرایطی که اهل قم بر خلیفه شوریده بودند و می‌خواستند او را بکشند؛ لشکری در اختیارم گذاشت تا بتوانم بر قم حکومت کنم.

به سوی قم حرکت کردم تا به «طزر» رسیدم؛ در آنجا به شکار رفتم، شکاری پیدا شد و به دنبال او رفتم تا به نهری رسیدم؛ هرچه جلوتر می‌رفتم آن نهر وسعتش بیشتر می‌شد.

تا آنکه مردی سوار بر اسب پیدا شد؛ عمامه‌ای سبز بر

سرداشت؛ به من گفت: «حسین، چرا امر ما را سبک می‌شماری و مسخره می‌کنی و خمس مالت را به اصحاب و نواب ما نمی‌دهی؟» من با آنکه شخصی شجاع و باوقار بودم، از این سخنان لرزیدم و گفتم: آنچه فرمودی، انجام می‌دهم. فرمود: هرگاه به آنجا که در نظرداری رسیدی و مشکلی برایت پیش نیامد و مالی کسب کردی، خمس آن را به مستحقش برسان. گفتم: چشم (سمعاً و طاعةً؛ یعنی: هم شنیدم و هم عمل خواهم کرد). فرمود: برو که موفقیت همراه است. عنان اسب را برگرداند و از دیده‌ام پنهان شد به گونه‌ای که هرچه به جستجویش پرداختم، او را نیافتم.

نزد لشکر برگشتم و این ماجرا را برای کسی بازگو نکردم و آن را فراموش کردم. نزدیک قم که رسیدیم، به طور طبیعی توقع داشتم که اهل قم آماده‌ی جنگ باشند و با ما بجنگند؛ ولی آنها آمدند و گفتند: چون هم‌مذهب ما هستی، داخل شهر شو و شهر را اداره کن؛ اگر کسی غیر از پیرو مذهب ما می‌آمد با او می‌جنگیدیم.

مدتی در قم ماندم و اموال بسیاری جمع کردم؛ امیران خلیفه بر بسیاری مالم حسد بردند و بدگویی مرا نزد خلیفه کردند؛ خلیفه نیز مرا عزل کرد.

به بغداد برگشتم و به خلیفه سری زدم، آنگاه به خانه برگشتم. مردم به دیدنم می‌آمدند، محمد بن عثمان عمروی آمد و از همه‌ی مردم گذشت و بر روی مسند من نشست و بر پشتی من تکیه زد، از

این رفتار او به خشم آمدم؛ ولی او نمی‌رفت و خشم من بر او بیشتر می‌شد. در پایان مجلس، به من فرمود: میان من و تو سزی است؛ صاحب آن اسب و نهر وسیع می‌فرماید: ما به وعده‌ی خود وفا کردیم - کنایه از آماده‌سازی قم برای اداره‌ی آن - آن قصه یادم آمد؛ به خود لرزیدم و او را به اندرون بردم و در خزینه را گشودم و خمس اموالم را تسلیم کردم؛ بعضی از اموال را که فراموش کرده بودم، یادآوری کرد و خمسش را گرفت. از آن پس، من دیگر در امر آن حضرت شک ندارم. حسن ناصرالدوله گفت: شک من نیز برطرف شد^۱.

تولد فرزند

شیخ طوسی رحمته الله و دیگران فرموده‌اند: علی بن بابویه رحمته الله عریضه‌ای خدمت حضرت صاحب الزمان علیه السلام نوشت و به حسین بن روح داد که حضرت دعا بفرماید تا خدا به او فرزندی بدهد. حضرت در جواب نوشتند که: «دعا کردیم خداوند دو فرزند صالح به تو عنایت فرماید». خداوند دو فرزند به او داد: یکی محمد و دیگری حسین؛ از محمد کتاب‌های بسیاری به یادگار مانده است که «من لایحضره الفقیه» از جمله‌ی آنهاست؛ از نسل حسین نیز بسیاری از محدثان به وجود آمدند؛ محمد افتخار می‌کرد که به دعای

۱. نقل به مضمون از کتاب: منتهی الآمال، ص ۴۴۱ و ۴۴۲.

حضرت به وجود آمده است و استادانش نیز او را به این افتخار تعریف و تحسین می‌کردند.^۱

خبرهای غیبی

ابن ابی سوره گوید: شب عرفه به زیارت آقا اباعبدالله الحسین رفته بودم؛ در لحظه‌ی بازگشت، یک راه بیابانی در پیش گرفتم تا به مسنات رسیدم. نشستم و لحظه‌ای استراحت کردم و دوباره به راه خود ادامه دادم؛ دیدم از پشت سر مردی می‌آید، گفت: آیا دوست داری همراه تو باشم؟ گفتم: آری. همان‌طور که می‌رفتیم با هم گفتگو داشتیم. از وضع هزینه‌ام پرسید، گفتم: در تنگنا هستم. فرمود: وقتی وارد کوفه شدی نزد اباطاهر زراری برو و در بزن؛ او می‌آید درحالی‌که دستش به خون قربانی آغشته است. به او بگو: یک کیسه دینار که نزد فلان مرد است به تو بدهد. این را گفت و جدا شد. ندانستم کجا شد. من به کوفه رسیدم و دستور آن آقا را انجام دادم. همان‌گونه که فرموده بود، اتفاق افتاد و به دستور حضرت عمل کردم. آن مرد گفت: چشم. دینارها را آورد و من گرفتم و رفتم.^۲

۱. نقل به مضمون از کتاب: منتهی الآمال، ص ۴۴۲.

۲. نقل به معنی: بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۱۸.

دیدار در دامنه‌ی کوه خضر

کوه خضر سمت قبله‌ی شهر مقدس قم و جایگاه عابدان و زاهدان و چله‌نشینان است و قراین و شواهد نشان می‌دهد که مورد عنایت اولیای الهی بوده و می‌باشد. تا چندی پیش، مسجد کوچکی بر روی آن بود که به تازگی مقداری گسترش یافته و در حال گسترش بیشتری است؛ در اثر دفن شهدای گمنام نیز در دامنه‌ی آن و نزدیک شدن شهر، رونق خاصی یافته و این مسئله نویدبخش نزدیک شدن ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

حاج سید مرتضی ساعت‌ساز می‌گوید: یک‌بار در خدمت آیه الله حاج شیخ محمد تقی بافقی به مسجد جمکران مشرف شدیم و پس از انجام آداب و دعاهاى رسیده، در حال سجده میان خواب و بیداری بودم که کسی گفت: حاج شیخ محمد تقی بیا که حضرت ولی عصر علیه السلام شما را خواسته است. سر بلند کردم، دیدم حاج شیخ به سمت کوه خضر حرکت کرد و تا نزدیک مسجد به سرعت رفت. او را زیر نظر گرفتم، دیدم در دامنه‌ی کوه با سه نفر که منتظرش بودند، به گفتگو پرداخت و پس از مدتی بازگشت. از او پرسیدم آنان چه کسانی بودند؟ فرمود: یکی از آنها سید و سالارم امام عصر علیه السلام بود^۱.

۱. نقل به مضمون: عنایات حضرت مهدی علیه السلام به علما و طلاب، ص ۴۰۱.

نجات مسافر از خطر

از سید احمد بن سید هاشم رشتی تاجر نقل است که: سنی هزار و دویست و هشتاد، عزم زیارت حج بیت الله الحرام کردم. به اتفاق جمعی از مسیر دارالمزار رشت به سمت تبریز حرکت کردیم و از آنجا عازم مکه شدیم. در یکی از منازل، حاجی جبّار جلو دار نزد ما آمد و گفت: این منزل که در پیش داریم، ترسناک است، قدری زود بار کنید و همانند مسیرهای قبلی عقب نمانید.

حدود دو ساعت و نیم به صبح مانده بود که به اتفاق همگی حرکت کردیم، چند کیلومتر بیشتر طی نکرده بودیم که هوا تاریک شد و برف می‌بارید، رفقا هریک سر خود را پوشاندند و به تندی راندند؛ ولی من هرچه سعی کردم همراهشان بروم نتوانستم. تنها و خسته مانده بودم، از اسب پیاده شدم و مضطرب کنار راه نشستم. بیش از ششصد تومان برای هزینه‌ی سفرم نداشتم.

پس از تفکر، تصمیم گرفتم همانجا بمانم تا صبح به آبادی قبلی برگردم و چند محافظ پیدا کنم تا به قافله برسم. در همین حال، در مقابل خود باغی دیدم که باغبانی بیل به دست، بر درختان می‌زد تا برفشان بریزد. نزد من آمد و گفت: کیستی؟ گفتم: من مسافر و از رفیقانم عقب مانده‌ام. به زبان فارسی فرمود: نافله بخوان تا راه را پیدا کنی. شروع کردم نافله خواندن. پس از تمام کردن نافله فرمود: ترفتی؟ گفتم: نه. فرمود: جامعه بخوان.

با آنکه زیارت جامعه را حفظ نبودم، برخاستم و خواندم. سپس آمد و فرمود: نرفتی؟ گریه‌ام گرفت. گفتم: راه را نمی‌دانم. فرمود: عاشورا بخوان. برخاستم و مشغول زیارت عاشورا شدم و همه‌ی لعن و سلام و دعای علقمه را با آنکه به خوبی حفظ نبودم، خواندم. باز آمد و فرمود: نرفتی. گفتم: نه، تا صبح هستم. فرمود: تو را به قافله می‌رسانم.

رفت و بر الاغی سوار شد و فرمود: در ردیف من بر این الاغ سوار شو. بیل را هم به دوش گرفت. افسار اسبم را کشیدم که برویم، اطاعت نکرد. فرمود: افسار را به من بده. دادم، افسار اسب را به دست گرفت؛ اسب به طور کامل اطاعت کرد. دست بر زانویم گذاشت و گفت: چرا نافله نمی‌خوانید؟ نافله، نافله، نافله؛ چرا عاشورا نمی‌خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا؛ چرا جامعه نمی‌خوانید؟ جامعه، جامعه، جامعه.

در حال طی مسافت احساس می‌کردم که به صورت دایره‌ای طی مسیر می‌کنیم. چیزی طول نکشید، برگشت و فرمود: رفقای شما آنها را کنار نهر آبی مشغول وضویند. برای نماز صبح از الاغ پایین رفتم تا سوار بر اسب شوم، نتوانستم. آن جناب پیاده شد و بیل در برف فرو برد و مرا سوار کرد و سر اسب را به سمت قافله برگرداند. این خیال در ذهنم خطور کرد که این شخص که بود که به فارسی سخن می‌گفت؛ در حالی که در آن مناطق جز زبان ترکی و مذهب

عیسوی موجود نبود و چگونه مرا به سرعت به قافله رساند؟ هرچه
دقت کردم اثری از او ندیدم^۱.

امیدواری شیعه از نظر شاعران

عزیز مصر به رغم برادران غیور

ز قعر چاه برآمد به اوج ماه رسید

کجاست صوفی دجال فعل ملحد شکل

بگو بسوز که مهدی دین پناه رسید

حافظ

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید

که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید

از غم و درد مکن ناله و فریاد که دوش

زده ام فحالی و فریادرسی می آید

حافظ

اندر این روزگار بد عهدی

چیست جز عدل، هدیه‌ی مهدی؟

سنایی غزنوی

مهدی دجال کُش، آدم شیطان شکن

موسی دریا شنکاف، احمد جبریل دم

خاقانی

۱. نقل به مضمون از کتاب: کلیات مفاتیح الجنان مترجم، ص ۱۰۸۴.

به زمان مهدی که رساند این دعا را
که به شکر پادشاهی ز نظر مران گدا را
چو قیامتی دهد رو، که به دوستان نمایی
برکات مصطفی را، حرکات مرتضی را
فیض کاشانی

کی رفته‌ای زدل که تمنا کنم تو را
کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را
غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور
پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم تو را
با صد هزار جلوه برون آمدی که من
به صد هزار دیده تماشا کنم تو را
فروغی بسطامی

دلم شکستی و جانم هنوز چشم به راهت
شب سیاهم و در آرزوی طلعت ماهت
در انتظار تو چشم سپید گشت، غمی نیست
اگر قبول تو افتد فدای چشم سیاهت
در انتظار تو می‌میرم و در این دم آخر
دلم خوش است که دیدم به خواب، گاه به گاهت
استاد شهریار

زهی خجسته زمانی، یار باز آید
به کام غم‌زدگان غمگسار باز آید

به پیش خیل خیالش کشید ابلق چشم
بدان امید که آن شهسوار می آید
چه جورها که کشیدند بلبلان از دی

به آن امید که گل نوبهار می آید
حافظ

دل را ز بی خودی سر از خود رمیدن است
جان را هوای از قفس خود پریدن است
از بیم مرگ نیست که سر داده ام فغان
بانگِ جرس ز شوق به منزل رسیدن است
دستم نمی رسد که دل از سینه برکنم
بباری علاج شوق، گریبان دریدن است
شامم سیه تر است ز گیسوی سرکشت
خورشید من برآی، که وقت دمیدن است
سوی تو ای خلاصه‌ی گلزار زندگی
مرغ نگه در آرزوی پرکشیدن است
آیت الله خامنه‌ای

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور
کلبه‌ی احزان شود روزی گلستان غم مخور
در بیابانها ز شوق کعبه خواهی زد قدم
سرزنشها گر کند خار مغیلان غم مخور

هان مشو نومید چون واقف نه‌ای ز اسرار غیب
باشد اندر پرده بازی‌های رندان غم مخور
حافظ

اگر خواهی ز تاریکی و نومیدی رها گردی
توجه کن به شادی بخش عالم مهدی دوران
اگر خواهی ز آب معرفت خود را کنی سیراب
روان خود بکن مشتاق بهر آن مه تابان
جوانه از رخ نورانی خورشید سرسبز است
جوان‌ها از بهار او همی‌گردند گل باران
چمن‌ها گر ز ابر رحمت حق می‌شود زنده
زیمن مقدم مهدی شود هر مشکلی آسان
نویسنده

آینده‌ی شیعه

شیعه در آینده بهتر زیستن
همچو گُل‌ها مهربان آمیختن
می‌رهد شیعه ز کید کینه‌ها
می‌گشاید عقده‌ها از سینه‌ها
می‌دهد دل را به فرمان امام
یساری بیچارگان او را مرام

شیعه خوش باشد ورا پایان کار
چونکه ذکرش یارب است لیل و نهار
شیعه مشمول شفاعت می‌شود
بهره‌اش ختم سعادت می‌شود
شیعه گر روزی کهنسالی شود
هم ادب، هم عقل او عالی شود
محترم گردد میان بستگان
می‌شود محبوب بر فرزندان
شیعه هر روزی که بر او بگذرد
از اطاعت بر کمالی می‌رسد
می‌شود شایسته‌ی تشویق حق
می‌باید از همه گوی سبق
شیعه در آینده باشد رستگار
روح و ریحان است او را برقرار
شیعه شاگرد کلاس انتظار
می‌کند خود را مهیا بهر یار
فرزی از بدخواه منما و همه
چونکه از مهدیست نعمتها همه

دلبر اهل معنا

آشنا دلبرِ اهلِ معنا

یادگار حسین، پورِ زهرا

جان من خسته شد، تو کجایی؟

چشم در راه تو، کی می‌آیی؟

جان به لب آمده مهربانا

لطف کن یک نظر جانِ جانا

بهتر از تو ندارم امیدی

دارم از عطر رویت نویدی

عقده دیدنت دارد این دل

تیرس رنجیدنت دارد این دل

من فدای قدمهای پاکت

می‌دهم جان و هم سر برایت

کن اشاره! به هر سو که خواهی

می‌دوم با سرم همچو ماهی

یاد کرب و بلا دارد این دل

حبّ اهلِ ولا دارد این دل

آتش عشق جدّت حسین را

بغض شمر دغا دارد این دل

ده خراسانی ناتوان را

مژده تا کم کند او فغان را

گل گلشن لولاک

به نقل از یکی از دانش‌آموزان اهل هیر قزوین، ظریفی چنین سروده است:

گلی دارم که مست از بوی اویم

به غیر از او گلی دیگر نبویم

گل من بلبل افلاک باشد

گلم از گلشن لولاک باشد

گل من نور چشمان رسول است

گل من زیب دامن بتول است

گل من مرتضی را نور عین است

گل من طالب خون حسین است

گل من اشرف خلق جهان است

گل من مهدی صاحب زمان است

اگر ظاهر شود از امر یزدان

از این گل می‌شود عالم گلستان

خاتمه

درد دلی با خدا با الهام از دعای عهد

خدای حتی داورم، ز تو طلب همی‌کنم

که با امام مهربان درد دلم دمی‌کنم

به وزن عرش و فرش خود، سلام ما را برسان
جرعه‌ای از محبتش به کام ما هم برسان
بیعت و عقد و عهد من نما، قبول آستان
بهتر از این نمی‌شود لذت هیچ داستان
مرا بکن فدائی‌اش، به جان پاک مادرش
نمی‌روم زکوی او اگر چه راند از درش
خط شهادتم بده، به پیش مقدمش مرا
محبتی کند مرا، جلب کند برش مرا
اگر که آیدم اجل، زنده بکن دمی مرا
نماند از ببینمش دگر به دل غمی مرا
سرمه‌ی چشم من بود، نگاه ماه‌روی او
ز جام شربتش بده به تشنه‌ی سبوی او
مرهم زخم دل بنه، به قلب‌های خون‌چکان
که دل پریش گشته‌اند، عباد تو در این جهان
ظهور او قیام او آرزوی همه بود
ندای پاک و دلکشش، آبروی همه بود
فرزی بیچاره بود در آرزوی خدمتش
جهان، گل‌خنده زند در آسمان شوکتش

لیست منابع

- قرآن کریم
نهج البلاغه.
مفاتیح الجنان.
النجم الثاقب.
بحار الأنوار.
بداية المعارف الإلهية.
پیدایش انگیزه‌ی مذهب.
تفسیر المیزان.
تفسیر صافی.
حضرت مهدی از ظهور تا پیروزی.
حضرت مهدی در بشارت‌های آسمانی.
شیعه در اسلام.
صحیفه‌ی سجادیه.
عدالت گستر جهان.
عنايات حضرت مهدی به علما و طلاب.
فتوحات مکیه.
مسجد کوه خضر.
منتخب الأثر.
منتهی الآمال.